





# رهبر معظم انقلاب: فردای این ملت، به مراتب بهتر از امروز خواهد بود

حضرت آیت الله‌خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر یکشنبه در اجتماع عظیم مردم در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام بزرگوار همیشه زنده ملت، خمینی رب تأکید کردند: برخورداری از «روحیه، ذهن و عمل انقلابی» درس بزرگ امام راحل عظیم‌الشان است و ملت ایران در پرتو اهداف و آرمانهای همچنان پر جاذبه امام و هوشیاری در مقابل شیطان بزرگ، راه تحقق اهداف انقلاب را در معنای حقیقی عقلانیت یعنی انقلابی گری ادامه می دهد.

رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سخنان خود با گرامیادشت سالگرد رحلت درذات امام بزرگوار، به مطالب و حقایقی که در طول سالهای گذشته در راه آن انقلاب بیان شده است، اشاره کردند و گفتند: درباره امام باگفته‌هایی وجود دارد که باید به تدریج به ذهینت جامعه منتقل شود، اما مطالبی که در طول سال‌های گذشته بیان شده اند، بد تکرار و مرور شوند تا راه و مبانی امام از گزند تحریف در امان بمانند و برخی افراد مجال تحریف امام را پیدا نکنند.

**جوانان مخاطب اصلی سخنان رهبری**
ایشان مخاطب اصلی سخنان امروز خود را جوانان بیان و خاطرنشان کردند: از آنجا که جوانان دوران حماسه‌های بزرگ، پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و دوران حرکت‌های بزرگ در مقابیل تجربه طلبان را ندیده اند، مخاطب اصلی توضیحات امروز من درخصوص امام، جوانان هستند، ضمن آنکه ذهن نسل جوان، بیش از دیگران در معرض حملات تحریف کندگان قرار دارد.

رهبر انقلاب اسلامی خطاب به جوانان گفتند: پیروزی انقلاب اسلامی که تحقق اراده الهی به وسیله امام خمینی و با کمک مردم بود، یک جایگاهی سیاسی صرف و فکری رکن یک قدرت و از قدرت و روی کار آمدن گروه دیگر نبود، بلکه انقلاب اسلامی یک تحول عمیق و عظیم در عرصه سیاست کشور و در متن جامعه ایرانی بود. حضرت آیت الله خامنه‌ای به تحول عظیمی که در عرصه سیاست کشور به وجود آمده اشاره کردند و افزودند: انقلاب اسلامی، یک دیکتاتوری به روش و اثری و وابسته به یکپنگانگی و دنباله وود آنها را بسته یک حکومت مردم‌پایه و متکی به مردم و مستقل و سربلند و دارای هویت تبدیل کرد. ایشان در باره تحول عمیقی که انقلاب اسلامی از متن جامعه ایجاد کرد، گفتند: جامعه ایران با آن سابقه فرهنگی و با آن عظمت و دانشمندان بزرگ و معارف پست‌نری، به یک جامعه بی‌هویت و دنباله وود غرب تبدیل شده بود، اما انقلاب را جامعه ایرانی و به یک جامعه با هویت و دارای اصالت و خلاقیت و صاحب حرف، نو، تبدیل کرد.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این که امام بزرگوار چنین تحول عظیمی را به واسطه پیروزی انقلاب ایجاد کرد، افزودند: امام بعد از رحال خودباوری در ملت، به عنوان دیگر مبانی امام اشاره کردند و گفتند: جاذبیت‌های شخصیتی و مبانی امام خمینی عامل اصلی پیوستن جوانان به نهضت و انقلاب امریکا، اکنون نیز برای جوانان کشورهایی مانند عربستان سعودی که دولت‌های آنها سال‌های طولانی در خدمت منافع امریکا هستند، جاذبیت دارد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به اهداف نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت که در مقایسه با اهداف امام، هدف‌هایی حادالنی به شمار می آیند، خاطرنشان کردند: این نهضت‌ها نتوانستند به طور کامل به اهداف خود حادلی خود برسند، اما هر حال عاود را به یک اهداف حداکثری انقلاب اسلامی دست یافت، توانست این انقلاب را حفظ و ماندگار کند.

ایشان با طرح این سوال که «امام چگونه توانست این حرکت عظیم را به پیروزی برساند و اهداف حداکثری آن را حفظ کند»، گفتند: راز موفقیت امام خمینی و هنر بزرگ آن امام، این بود که توانست احاد مردم به ویژه جوانان را به صحنه بیاورد و آنان را در صحنه نگه دارد.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: در هر کشوری که احاد مردم در صحنه شوند و بایستند، و مقاومت کنند، اهداف آنها محقق خواهند شد.

**توانایی امام درجذب مردم به ویژه جوانان**

حضرت آیت الله خامنه‌ای سپس این سوال را مطرح کردند که «امام چگونه چنین توانایی را

به دست آورد که مردم و به ویژه جوانان را وارد میدان نماید و آنان را در میدان حفظ کند».

ایشان در پاسخ به این سوال، به جاذبیت‌های شخصیتی و جاذبیت‌های شعارها و مبانی و اصول امام اشاره کردند و گفتند: امام خمینی از نظر شخصیتی، «بسیار مستحکم»، «دارای قدرت استادگی در سبخت‌ها»، «دارای صراحت و صداقت» و «دارای ایمان و توکل به خدا در رفتار و گفتار» بود و این جاذبیت‌های شخصیتی موجب شد که جوان، «امام و راه او، و نهضت و انقلاب» را انتخاب کند.

رهبر انقلاب اسلامی سپس به جاذبیت‌های اصول امام اشاره کردند و افزودند: یکی از اصولی که امام بزرگوار ارائه کرد، «سبیه ناب و دهه خشن ترین اقدامات تروریستی در کشور

و خنده خشن ترین اقدامات تروریستی در کشور» قدرت‌ها در دهه شصت، هزاران نفر از احاد مردم و مسئولین را به شهادت رساندند که در میان آنها از کاسب معمولی تا جوان و فعال سیاسی و شخصیت‌های بزرگ دیده می شوند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، دهه شصت را دهه سال جنگ تحمیلی و دهه سخت ترین تحریم‌ها خواندند و تأکید کردند: البته دهه شصت، دهه افتخارات بزرگ و دهه مبارزه با تجربه طلبی است که ملت ایران به ویژه جوانان با ایستادگی محکم خود در این دهه، توانستند بر همه توطئه‌ها و دشمنی‌ها پیروز شوند .

ایشان، اهل فکر را به تأمل در حقایق و واقعیت‌های دهه شصت فراخواندند و گفتند:

ما رقبای باشمس تا در دهه شصت، جای شهید و جلا دهنر نبود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و مظلوم واقع شد و به دلیل این که تروریست‌ها و منافقین و پشتیبانان آنها به امام و ملت ایران ظلم و خباثت کردند، ملت در موضع دفاع قرار گرفت و در نهایت هم پیروز شد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این ادامه به رحلت امام در دوره بعد از رحلت اشاره کردند:

سلطه امریکا، اکنون نیز برای جوانان کشورهایی مانند عربستان سعودی که دولت‌های آنها سال‌های طولانی در خدمت منافع امریکا هستند، جاذبیت دارد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به این که «حق انتخاب و حاکمیت مردم»، همچنین «ایجاد خودباوری در ملت» به عنوان دیگر مبانی امام اشاره کردند و گفتند: جاذبیت‌های شخصیتی و مبانی امام خمینی عامل اصلی پیوستن جوانان به نهضت و انقلاب امریکا، اکنون نیز در نهایت موجب پیروزی انقلاب و بروز یک زلزله سیاسی در دنیا شد.

**تقسیم بندی طرفداران و دشمنان انقلاب اسلامی**

ایشان به شکل گیری تقسیم بندی «طرفداران و دشمنان انقلاب اسلامی» در دهه شصت اشاره کردند و افزودند: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت‌های بزرگ به ویژه امریکا و شوروی و جریان‌های قدرت موجود همسوییست‌ها و کمپانی‌های بزرگ، به دشمنان انقلاب اسلامی تبدیل شدند، زیرا احساس خطر کردند، اما در مقابل، بسیاری از ملت‌های مسلمان حتی برخی ملت‌های غیرمسلمان، عاقله مند و طرفداران انقلاب شدند که تا به امروز نیز این جریان ادامه دارد.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به سردرگمی قدرت‌ها در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، خاطرنشان کردند: آنها بعد از مدتی که خود را باز یافتند، دشمنی‌ها را آغاز کردند و در طول ۳۸سال گذشته طرح‌های مختلفی انجام دادند، اما در همه این دشمنی‌ها از ملت ایران شکست خوردند و بعد از این هم به همین گونه خواهد بود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از این بخش از سخنان خود به شرایط دهه شصت، که دهه اول پیروزی انقلاب اسلامی و دهه حیات پر برکت امام بود، اشاره کردند و گفتند: دهه شصت یک دهه مظلوم و در عین حال بسیار مهم و سرنوشت ساز در تاریخ انقلاب اسلامی است که متأسفانه نشناخته مانده و اخیراً هم به وسیله برخی بلندگوها و صاحبان آنها مورد تهاجم قرار گرفته است.

ایشان دهه شصت را دهه آزمونه‌های بزرگ

## اخبار داخلی

# اخبار داخلی

دشمنان خاطرنشان کردند: رئیس جمهور امریکا را به رئیس یک نظام قبیله ای، عقب افتاده و منحط رقص شمشیر می کند و بی ادبانه به انتخابی آزاد و ۴۰ میلیون رای ملت ایران، ایراد می گیرد.

ایشان با اشاره به مغالزه رئیس جمهوری امریکا با قائلین مردم بی گناه و بی‌پناه یمن افزودند: دشمنان ما با بی حیایی تمام در کنار عاملین کشتار مردم یمن دم از حقوق بشر می زنند و ملت نجیب ایران را به اسم حقوق بشر تحریم می کنند؛ آیا واقحت از این بیشتر می شود؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید کردند: در مقابل این دشمنان گستاخ، ایران به قدرت بسیج کنندگی انقلاب نیاز جدی دارد و باید همه مسئولان

رابطه **دقیق و ذاتی عقلانیت و انقلابی**
رهبر انقلاب اسلامی پس از تبیین رابطه دقیق و ذاتی عقلانیت و انقلابیگری افزودند: انقلابیگری یعنی مسئولان کشور هدفشان راضی کردن قدرتها نباشد و بدون انفعال و تسلیم در مقابل زورگرایی قریب آنها را نخورند و با دوری از ضعف نفس در مقابل شیطان بزرگ، همت و هدف خود را در به کارگیری نیروها و عناصر داخلی، حل مشکلات و راضی کردن مردم متمرکز کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با انتقاد از برخی که «عقلانیت» را به عنوان نقطه مقابل شعارهای انقلاب مطرح می کنند، افزودند: عقلانیت واقعی و «انقلابیگری» است و نگاه انقلابی است که می‌تواند حقایق و واقعیت‌ها را نشان دهند.

ایشان در بیان مصداقی از این مساله مهم

یادآوری کردند که بزرگوار یکی در چند سال پیش

در پرتو نگاه انقلابی و در واقع عقلانی، «فرقیالش بزرگ» و «فرقیالش اعتماد» معرفی کرد و اکنون بعد از سه دهه، رؤسای برخی کشورهای اروپایی به این واقعیت ایمان می کنند و امریکا را

غریبال اعتماد می‌نامند که این مساله، عقلانیت ناشی از انقلابیگری را نشان می‌دهد.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: این ملت ایران، قدرت بسیج کنندگی انقلاب اسلامی» است.

رهبر انقلاب با اشاره به عقب ماندگی موجود در تحقق برخی شعارهای امام راحل عظیم‌الشان

در بحث عدالت اجتماعی و برخی شعارهای مبنایی و اصولی امام، افزودند، با همت بیشتر، اهداف و آرمان‌های آن امام به عرش سرفرر خدا در دنبال خواهیم کرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از قدرت بسیج کنندگی انقلاب را نعمتی بسیار بزرگ خواندند و با اشاره به نیاز واقعی امروز و آینده کشور به این قدرت عظیم افزودند: هیچ پیشرانی به عظمت و قدرت انقلاب و شعارهای پرچابه امام وجود ندارد

و مسئولان و فعالان سیاسی به هیچ دلیلی نباید از این قدرت تعیین تکلیف غفلت کنند.

**توطئه‌های پیچیده دشمنان**

ایشان با اشاره به ادامه توطئه‌های پیچیده دشمنان خاطرنشان کردند: به فضل الهی، انقلاب، و آرمان‌های پرچابه امام همچنان قادر است جوانان و انسان‌های با عزم و اراده را به میدان بیاورد، به حرکت وادارد و به پیش برود و این، مهمترین عامل شکست توطئه‌های دشمنان است.

رهبر انقلاب با بیان مصداقی از ارج و واقحت

رهبر انقلاب اسلامی، اقدام سعودی‌ها را در هزینه کردن صدها میلیارد دلار از پول ملتشان برای تحقق امیال و اهداف امریکا، هزینه سازش با شیطان بزرگ خواندند و افزودند: اگر انسان با اعتماد به نفس و منطق و عقلانیت انقلابی، در چالش وارد شود، هزینه‌اش به مراتب کمتر از هزینه سازش است.

ایشان خطاب به ملت افزودند: ان‌شاءالله بعدها در این زمینه صحبت‌های بیشتری خواهم کرد اما در هر حال حقیقت این است که قدرت‌های توطئه گر و تجاوزپیشه به هیچ چیز قانع نیستند و معاظطون که در تعاملات چندسال اخیر دیدیم، هر عقب نشینی در مقابل دشمنان، آنها را به مطالبات جدید و این سلسله «عقب نشینی و مطالبه تازه» هیچ پایانی ندارد.

رابطه **دقیق و ذاتی عقلانیت و انقلابی**
رهبر انقلاب اسلامی پس از تبیین رابطه دقیق و ذاتی عقلانیت و انقلابیگری افزودند: انقلابیگری یعنی مسئولان هدفشان راضی کردن قدرتها نباشد و بدون انفعال و تسلیم در مقابل زورگرایی قریب آنها را نخورند و با دوری از ضعف نفس در مقابل شیطان بزرگ، همت و هدف خود را در به کارگیری نیروها و عناصر داخلی، حل مشکلات و راضی کردن مردم متمرکز کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون

و به نفس و جرأت برآمده از انقلاب دانستند و افزودند: امروز، اگر تجربه‌ای ماندن حلیون دهه شصت در اختیار قطعاً و بدون تردید می‌لایند

جوان مصمم و دل‌آور در کمال قدرت و عزت نفس وارد میدان می شوند و کشور را حفظ و نگهداری می کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای از جمع بندی این بخش از سخنانشان بار دیگر نیاز کشور را

به «روحیه، مشا، اصول و مبانی انقلاب و امام» فرمود تأکید قرار دادند و افزودند: «انقلابیگری» را به عنوان «فراپی گیری» نفی نکنید، زیرا انقلابیگری نیاز واقعی کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب اسلامی بخش بعدی سخنان خود را به بیان چند نکته درباره مسائل داخلی اختصاص دادند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به واقعیاتی که ارج نهیند و به خاطر اهداف کوتاه مدت و جلاد عرض نشود، زیرا ملت ایران در دهه شصت و ارزش‌ها را به فراموشی نسپارند.

رهبر انقلاب، پیشرفت در عرصه‌های علم و اقتصاد و سیاست و فرهنگ را نیازمندی محلیون







## توزیع اسکناس جدید ۱۰هزار ریالی متبرک که به دستخط رهبر معظم انقلاب

بانک مرکزی اعلام کرد: توزیع اسکناس ۱۰هزار ریالی جدید را از نیمه خرداد آغاز می‌کند.

به گزارش مهر به نقل از بانک مرکزی، توزیع این اسکناس با تبرک دستخط مقام معظم رهبری آغاز می‌شود.
ایشان در این باره مرقوم فرمودند: خداوند برکت دهد و مبارک فرماید.

رئیس سازمان تولید اسکناس و مسکوک بانک مرکزی در همین ارتباط گفت: در طراحی این اسکناس از نقوش اسلیمی که نماد فرهنگ و هویت ایرانی– اسلامی است، بهره گرفته شده است. در طرح پشت این اسکناس هم تصویر آرامگاه حافظ به همراه شعر «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق؛ ثبت است بر چهرهٔ عالم دوام ماه از اشعار لسان‌الغیب با خطاطی یکی از خطاطان برجسته کشور گنجانده شده است».

سید محمود سلیمانی درخصوص ابعاد این اسکناس گفت: ابعاد اسکناس ۱۰هزار ریالی جدید از ۸۷/۱×۱۶ میلی (دو) به اندازهٔ متر کاهش یافته است. این تغییر با هدف فرسودگی کمتر اسکناس، کاهش هزینه‌های تولید و راستای ایجاد همگرایی بین اندازه اسکناس‌ها و ایران

چک صورت گرفته است. وی گفت: چاپ برجسته برپهٔ حضرت امام بر روی اسکناس جدید بزرگتر از قبل شده و این موضوع امکان اصالت سنجی اسکناس را بی نیاز از یک بازگیر ابزاری تخصصی سهیل می‌کند.

رئیس سازمان تولید اسکناس و مسکوک با بیان اینکه در طرح جدید اسکناس ۱۰هزار ریالی، تصویر حضرت امام خمینی (ره) به دو واترمارک درج شده است از عکس معروف ایشان در حال تلاوت قرآن استفاده شده و به صورت ۳۵میلی توسط کارشناسان و متخصصان مجرب مجموعه تولید کاغذ امنیتی و اوراق بهادار در کشور طراحی و اجرا شده است و بعد از تصویر بزرگتر از قبیل خواهد بود، تصریح کرد: این تغییر ابعاد با هدف وضوح بیشتر واترمارک به عنوان یک ویژگی امنیتی که تشخیص آن از اسانتر می‌کند، انجام شده است. تصویر حضرت امام (ره) در واترمارک اسکناس جدید، متفاوت از پرتره چاپ شده بر روی اسکناس است که به صورت چاپ برجسته اجرا شده است و این واترمارک به علت نفوذ در عمق کاغذ، بالاترین ضریب امنیتی را دارد. ابعاد واترمارک در طرح نمونه (طرح قدیم) ۲۳×۲۰ میلی متر و طرح حافظ (طرح جدید) ۲۳×۲۲ میلی‌متر است.

وی با اشاره به نوع نخ امنیتی به کار رفته در این اسکناس گفت: نخ امنیتی به کار رفته در این اسکناس با عرض ۱/۲ میلی متر و با درج ۱۰۰۰۰ ریالی–RLS۱۰۰۰۰ و به انگلیسی و فارسی در دو جهت به صورت آینه ای و معکوس نمایان است، نخ امنیتی یک‌بار رفته در کاغذ هزار

ریالی هم با روکش متالایز به صورت پنجره ای است که در اسکناس قدیمی در روی اسکناس و در اسکناس جدید در پشت اسکناس قابل رؤیت است.
نماینده توضیح داد: کاغذ این اسکناس دارای الیاف فلورستی در چهار رنگ زرد–قرمز–سبز–آبی (در پشت) و روی هر قطعه اسکناس با طول حداقل ۴ میلی متر است. این الیاف از نوع نامرئی بوده که تحت امواج ماواری پخش قابل شناسایی هستند.

به گفته وی، الکترونیکی از ویژگی‌های امنیتی است که به این اسکناس افزوده شده است. این مشخصه به

محمود واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و الکساندر نوواک وزیر انرژی روسیه در مذاکرات سن پترزبورگ با ارزشمند خوانند دستاوردهای پیشرفت روابط دو کشور در چهار سال گذشته، برای پیگیری برنامه‌های توسعه بیشتر همکاری‌های اقتصادی توافق کردند.

بسه گزارش ایرنا، در این دیدار که در حاشیه نشست بین‌المللی اقتصادی سن پترزبورگ روسیه با حضور مهدی سناپی سفیر ایران در روسیه انجام شد، نوواک رئیس روسی کمیسیون مشترک همکاری‌های دو کشور در دیدار با هیئت خود ضمن شادباش پیروزی مرتبط، حضور شرکت‌های نفتی روس در ایران، ساخت نیروگاه حرارتی در بندرعباس، برقی کردن آثار پیشرفت در همکاری‌ها آشکار شد که مسئولیت شما در ریاست کمیسیون مشترک و اقدام‌های سفیر ایران در مسکو نقش بسیار مثبتی در این روند افزایشی داشته است.

وزیر انرژی روسیه در این مذاکرات افزود:امیدواریم روند کنونی شتاب توسعه روابط همچنان حفظ می‌شود و تاش دو کشور بتوانند از مزیت‌های آن بهره ببرند.

در ارتباطات هم اظهار داشت: انتخابت ریاست جمهوری در ایران دستاوردهای داخلی و خارجی زیادی داشت که تداوم با قدرت روابط تهران–مسکو یکی از پیاپی‌ان آن است.واعظی افزود: سال‌های قبل فرصت پایه‌ریزی و ساختارسازی توسعه روابط بود که توانستیم راه ۲۰۱۶ بهره‌برداري‌ها را آغاز کنیم

### تصویب ۱۰/۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۹۵

رئیس سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و کمک‌های فنی و اقتصادی

از جذب ۳ میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به

کشور خبر داد.

محمد خزاعی در گفتگو با فارس با اشاره به موضوع سرمایه‌گذاری‌های خارجی اظهار داشت: در سال ۹۵ بیش از ۱۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور انجام شد که از این میزان تا حدود یک ماه گذشته بالغ بر ۳ میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم برای طرح‌ها باقی شده است.

وی یادآور شد: معمولاً میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی‌سی باید بانک مرکزی ارقام و اطلاعات طرح‌ها را به منظور واردات تجهیزات، امکانات و ماشین‌آلات از گمرک و همچنین تأمین منابع مالی

ارائه دهد. معاون وزیر اقتصاد ادامه داد: قطعاً رقم جذب سرمایه خارجی در روزها و ماه آینده بنابر اطلاعات موجود افزایش خواهد یافت.

اعتباری بانک مرکزی در پاسخ به اینکه برخی سپرده‌گذاران می‌گویند پس از صدور مجوز کاسپین در آنجا حساب افتتاح کرده‌اند، گفت: مشکل این است که در یک فرآیند قضایی به کاسپین دستور داده شد تا باهرای تمام تعجب هشت‌تعاونی را به کاسپین تبدیل و برای سپرده‌گذاران دفترچه جدید صادر کند ولی در عمل اینها شعب دارای مجوز کاسپین نبودند.

بسه گفته وی، به تازگی بانک مرکزی مجوز ۲۰ شعبه را به کاسپین داده است که این شعب دارای حد هستند و روالی که درباره سایر بانکها و موسسات اعتباری رعایت می‌شود، برای آنها هم طی شده است.

کمره‌ای درباره سپرده‌گیری کاسپین در ۱۴ ماه گذشته اظهار داشت، پس از آنکه تابلو و دفترچه‌های این تعاونی‌ها با رای مرجع قضایی به کاسپین تغییر یافت، این تعاونی‌ها در لوی کاسپین مبادرت به جذب سپرده با سوده‌ای غیرمتعارف برای خود کردند.

وی با ابراز امیدواری از اینکه دارایی‌های این تعاونی‌ها جواریکی سپرده‌گذاران نباشد، گفت: بانک مرکزی اعلام کرده است که حیات مدیره و مدیران این تعاونی‌ها و هیات‌های تسویه آنها باید پاسخگو هر گونه کسری در پرداخت‌ها باشند.

مدیرکل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی گفت: باید ابتدا پرسید که آیا موسسات غیرمجاز می‌خواهند در چه فعالیتی سرمایه‌گذاری کنند که بالای ۴۰ درصد سود عاید آنها کند، در حالی که باید سرمایه‌گذار طوری باشد که هم سود سپرده

گذار را بدهند هم هزینه‌های خود را بپوشش

### حمایت چین از عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

یک دیپلمات ارشد چینی از حمایت یکن هم‌اند مسکو برای عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای خبر داد.

به گزارش فارس به نقل از روزتیر، یک دیپلمات ارشد چینی گفت: چین از ایران برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای حمایت می‌کند و این موضوع در نشست این هفته این سازمان مورد بحث قرار خواهد گرفت.

لی یوهای دستیار وزیر امور خارجه چین گفت: ایران یک عضو ناظر در سازمان همکاری شانگهای است که تاکنون مشارکت فعالانه‌ای در نظر این اتحادیه و کمک‌های مثبتی به توسعه این سازمان کرده است.

وی گفت: چین از عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای استقبال و حمایت می‌کند و فکر می‌کند در این نشست همکاری طرف‌ها دقیقاً به مطالعه موضوع عضویت ایران این سازمان بر اساس قوانین مربوطه و اجماع از طریق مشورت‌های لازم ادامه خواهد داد.

### لایحه تشکیل ۱۳وزارتخانه جدید به مجلس می رود

معاون پارلمانی رئیس جمهوری از ارائه لایحه احضار برخی از روسای ستاد انتخاباتی دکتر روحانی، تأکید کرد: باید منتظر پاسخ قانونی بنایم اما امیدوارم قضات

ما براساس عدل و انصاف رفتار کنند.

امیری در گفتگو با ایلما، درباره شکایات برخی از وزارتخانه‌های «راه و ترابری» و «مسکن و شهرسازی» تندید شورای ادامه داد: همچنین قرار شد وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت به وزارتخانه‌های «صنعت و معدن» و «بازرگانی» و وزارت ورزش و جوانان هم به «وزارت ورزش» و سازمان ملی جوانان، تبدیل شوند.

معاون امور مجلس رئیس جمهوری اظهارداشت: قرار داریم این لایوح با فوریت در مجلس مورد بررسی قرار گیرد و به تصویب برسد تا رئیس‌جمهور، کابینه دوازدهم را بر اساس این ساختار تشکیل دهد.

«سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی رسان‌های اجتماعی» در جلسه شورای عالی فضای مجازی به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری، نهایی شد.

همچنین در این جلسه که به حضور روسای قوای قضائیه و مقننه و دیگر اعضای شورا برگزار شد ،

#### اخبار داخلی

## توافق ایران و روسیه برای توسعه همکاری‌های اقتصادی



کشور و با تأکید بر فعالیت مشترخش گروه کاری ایران و روسیه در زمینه انرژی تنظیم شده است.

تعال فاعانه شرکت‌های ایرانی و روسی و همکاری‌های اقتصادی و مشترکشان شرکت‌های نفتی و روسیه برای چشم‌انداز میان مدت هم در این سند گنجانده شده است.

مدیران ارشد وزارت نفت، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی نفت ایران، وزارت نیرو، شرکت‌های توالیسر و تولید نیروی برق حرارتی در کنار شرکت‌های بزرگ روسی در

گروه کاری انرژی ایران و روسیه به صورت فعال حضور داشتند و راه‌های همکاری را با یکدیگر بررسی کردند.

دومین نشست گروه کاری ایران و روسیه در بخش نفت، گاز، پتروشیمی، برق و آب و ۱۲ و ۱۱ خرداد

### هنوز سهمیه ایران ایر در حج تمتع اعلام نشده است

مدیر عامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران گفت: تاکنون سهمیه ایران ایر در جابجایی زائران ایرانی برای سفر حج تمتع از سوی سازمان حج و زیارت اعلام نشده است.

به گزارش ایرنا از پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، فرهاد پرورش افزود: با این حال ایران ایر آمادگی دارد در پروازهای حج تمتع اسماال همکاری لازم را به عمل آورد.

وی بآ بیان این که در صورت هماهنگی نهایی با سازمان حج و زیارت، مذاکره با عربستان در این زمینه آغاز خواهد شد. گفت: بعد از مشخص شدن میزان سهمیه ایران ایر در جابجایی زائران ایرانی با سازمان‌های ذریبط در عربستان مثل هندلیگ پروازها وارد مذاکره و گفتگو خواهیم شد.

مدیر عامل ایران ایر با بیان این که لازم است در خصوص وضع مسوخت رسانی، تعداد و نوع هواپما و

### بررسی جمعیت و توسعه در کشورهای عضو «یک کمر بند–یک جاده»



در سال ۲۰۱۳ میلادی ش‌ن‌جین‌بینگ رئیس جمهوری چین در جریان دیدار از کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی، پیشنهاد ایجاد مشترک «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» و «جایگاه تشکیل داده است. موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه فوآن سیای یکی از انجمن جمعیت‌شناسی راه‌موضوع جمعیت و توسعه در کشورهای عضو «یک کمربند–یک جاده» اختصاص دادند. دکتر محمد جلال عباسی شورای رئیس موسسه مطالعات جمعیتی در ایران، و پنجره جمعیتی وروو معدنی که توسعه‌ایند آنها مستلزم بهره‌گیری از این سرمایه عظیم انسانی است.

عبادله گل رئیس جمهوری سابق ترکیه با دکتر عباسی شورای سابق کشوران در این نشست گفتگو کرد. دکتر عباسی با اظهار خوشنودی از حضور ایشان دراین همایش، در مورد تحولات سیاسی منطقه و ضرورت همکاری ایران و ترکیه گفتگو کرد. دکتر عباسی از آقای گل در خواست کرد تا توجه به شرایط حساس خاورمیانه، در تحولات منطقه ای و مذاکرات صلح ترکیه در کنار ایران یک میلیارد از جمعیت مسلمان در کشورها بزرگ ایران ۶ خردادماه در دانشگاه فودان برگزار شد، و حدود ۷۰۰ نفر از محققین و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف در این همایش گرد هم آمدند.

به منظور بررسی تحولات جمعیتی کشورهای عضو، اجتماع جمعیت‌شناسی آسیا کمیته علمی تحت عنوان بریج جمعیت در کشورهای کمربند–یک جاده آسیایی تشکیل داده است. موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه فوآن سیای یکی از انجمن جمعیت‌شناسی راه‌موضوع جمعیت و توسعه در کشورهای عضو «یک کمربند–یک جاده» اختصاص دادند.

دکتر محمد جلال عباسی شورای رئیس موسسه مطالعات جمعیتی در ایران، و برخی از جمعیت‌شناسان، از این نشست کشورهای عضو با سخنار جمعیتی جوان و پنجره جمعیتی وروو معدنی که توسعه‌ایند آنها مستلزم بهره‌گیری از این سرمایه عظیم انسانی است.

عبادله گل رئیس جمهوری سابق ترکیه با دکتر عباسی شورای سابق کشوران در این نشست گفتگو کرد. دکتر عباسی با اظهار خوشنودی از حضور ایشان دراین همایش، در مورد تحولات سیاسی منطقه و ضرورت همکاری ایران و ترکیه گفتگو کرد.

دکتر عباسی از آقای گل در خواست کرد تا توجه به شرایط حساس خاورمیانه، در تحولات منطقه ای و مذاکرات صلح ترکیه در کنار ایران یک میلیارد از جمعیت مسلمان در کشورها بزرگ ایران ۶ خردادماه در دانشگاه فودان برگزار شد، و حدود ۷۰۰ نفر از محققین و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف در این همایش گرد هم آمدند.

به منظور بررسی تحولات جمعیتی کشورهای عضو، اجتماع جمعیت‌شناسی آسیا کمیته علمی تحت عنوان بریج جمعیت در کشورهای کمربند–یک جاده آسیایی تشکیل داده است. موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه فوآن سیای یکی از انجمن جمعیت‌شناسی راه‌موضوع جمعیت و توسعه در کشورهای عضو «یک کمربند–یک جاده» اختصاص دادند.

شنبه۱۶خرداد ۱۳۹۶ – ۱۱ رمضان ۱۴۳۸ – ۶ ژوئن ۲۰۱۷ – سال نود و یکم – شماره ۲۶۷۲۴

## توافق ایران و روسیه برای توسعه همکاری‌های اقتصادی

خاتمه‌دها را یادآوری کرد و خواستار تبادل تجریبات متقابل در این زمینه و تشکیل کارگروه مشترک «ای سی تی» بین دو کشور شد.

نیکیفوروف وزیر ارتباطات روسیه هم در این دیدار با تأکید بر اهمیت پیش‌رستمینه‌بخانف رئیس‌جمهوری تاتارستان فدراسیون روسیه به ایران و مذاکرات صورت گرفته، افزود: برنامه‌هایی برای همکاری در حوزه «ای سی تی» و تشکیل دومین کارگروه این حوزه در تاتارستان پاشد. برای پیگیری و اجرایی کردن آنها تلاش شود.

وی ادامه داد: پیشنهاد برگزاری نشست کارگروه «ای سی تی» در تاتارستان بسیار خرسند کننده است و از توسعه همکاری‌ها در همه عرصه‌های مرتبط پشتیبانی می‌کنیم. نیکیفوروف همچنین با مهم خاندان حضور بیشتر شرکت‌های روسی فعال در حوزه اینترنت برای همکاری با ایران، عرصه فضای مجازی را پیچیده خواند که ضرورت دارد دو کشور راهکارهای افزایش روابط را در این عرصه با کاربردهای مختلف را بررسی کنند.

مخلف را بررسی کنند. روسی فعال در حوزه اینترنت برای همکاری با ایران، عرصه فضای مجازی را پیچیده خواند که ضرورت دارد دو کشور راهکارهای افزایش روابط را در این عرصه با کاربردهای مختلف را بررسی کنند. روسی فعال در حوزه اینترنت برای همکاری با ایران، عرصه فضای مجازی را پیچیده خواند که ضرورت دارد دو کشور راهکارهای افزایش روابط را در این عرصه با کاربردهای مختلف را بررسی کنند. روسی فعال در حوزه اینترنت برای همکاری با ایران، عرصه فضای مجازی را پیچیده خواند که ضرورت دارد دو کشور راهکارهای افزایش روابط را در این عرصه با کاربردهای مختلف را بررسی کنند.

معاون اول رئیس جمهوری با بیان اینکه اصناف نقش موثری در توسعه‌یابی دارند، تأکید بر تأسیس نظام بانکی از اصناف تولیدی و خدماتی را خواستار شد. گفت: براساس گزارش مرکز آمار رشد اقتصادی سال گذشته دربخش‌های مختلف قابل توجه است.

به گزارش ایرنا، اسحاق جهانگیری در جلسه پرسش‌بسته ارتقای تولید ملی با اشاره به گذشتار سال ۹۶ با عنوان اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال

از سوی رهبر معظم انقلاب، بر ضرورت تلاش در جهت اشتغال زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی در کشور تأکید کرد و با یادآوری اهمیت نقش موثر اصناف در اشتغال زایی و بر لزوم حمایت نظام بانکی از اصناف خدماتی و تولیدی تأکید کرد و اظهار داشت: اصناف می‌تواند با دریافت تسهیلات اندک در جهت توسعه فعالیت‌های خود و اشتغالزایی گام بردارد و از این رو حمایت از اصناف در سال اشتغال و تولید یک ضرورت است.

وی همچنین به گزارش وزیر صنعت، معدن و تجارت در خصوص عملکرد بسته ارتقای توان تولید ملی در سال ۹۵ اشاره و خاطرنشان کرد: خوشبختانه در سال گذشته تحک خوبی در بخش اشتغال کشور به‌دو آمد و با وجود آن که تصور می‌شک برخی زبایذ از رشد اقتصادی مربوط به بخش نفت است، اما گزارش‌های مرکز آمار ایران نشان داد که رشد اقتصادی کشور در سایر بخش‌ها و به‌خصوص در بخش صنعت و کشاورزی هم رشدای قابل توجه بوده است.

معاون اول رئیس جمهوری با تأکید بر این که بخشی از این دستاوردها مرون تصمیمات ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و همراهی نظام بانکی بوده است، از همه کسانی که برای رشد اقتصادی در سال گذشته تلاش کرده اند، قدردانی کرد.

وی گفت: امیدواریم مدیران عامل بانک‌ها در سال جدید هم با روحیه مساعدت و شجاعت کارها و برنامه‌ها در دنبال کند در سال جاری هم شاهد دستاوردهای هرچه بهتر در بخش تولید و اشتغال کشور باشیم. جهانگیری افزود: دستاوردهای سال گذشته نشان داد که اگر اولویتی در کشور از سوی رهبرمعظم انقلاب تعیین شود، مدیران کشور با جدیت پای کار می‌آیند و همه تلاش خود را برای تحقق اهداف تعیین شده به کار می‌گیرند.

وی ادامه داد: اینکه گاهی عدم ای سعی می‌کنند عملکرد مدیران کشور را زیر سوال برند، چنا در حق نظام مدیریتی کشور است، البته باید در مواردی که از سوی مدیران کم کاری صورت می‌گیرد، این کاستی‌ها اصلاح شود. معاون اول رئیس جمهوری به برنامه ریزی‌های جدید برای ارائه تسهیلات در جهت رونق بخش تولید و اشتغال در سال ۹۶ اشاره و تصریح کرد: باید تولید دقیق صورت گیرد که تسهیلات پرداخت شده به واحدهای صنعتی به صنعتی به درستی و در راستای توسعه فعالیت‌های اشتغالزایی هزینه شود و این منابع مالی در جای دیگر مصرف نشود.

در این جلسه که محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت، ولی‌الله سیف رئیس کل بانک مرکزی، دکتر احمد دوست حسینی رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی، جمعی از مدیران عامل بانک‌ها و نمایندگان برخی دستگاه‌های اجرایی حضور داشتند، نماینده وزارت صنعت، معدن و تجارت گزارشی از عملکرد بسته ارتقا توان تولید ملی در سال ۹۵ را ارائه کرد. نماینده وزارت صنعت، ایجاد امیدواری در صاحبان صنایع کوچک، هم‌افزایی و همکاری و مشارکت میان مدیران اجرایی و افزایش تولید و اشتغال در بخش تلاش تووجهی از بانک‌های اقتصادی را در جمله آثار اجرایی طرح رونق تولید در سال ۹۵ برشمرد.

در ادامه این جلسه گزارش‌ها هم در برنامه‌های سال ۹۶ بر اساس مصوبات ستاد اقتصاد مقاومتی به منظور ارتقای توان تولید ملی و اشتغالزایی ارائه شد.

قرار است در سال ۹۶ نظام بانکی در چارچوب سیاست‌های خود و در راستای اشتغال زایی از اصناف تولیدی و خدماتی حمایت کرده و تسهیلات مورد نیاز آنها را تأمین کند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی معاون اول رئیس جمهور، در این نشست‌ها برای طرح رونق تولید، طرح‌های صنعتی و معدنی، کوچک و متوسط، تکمیل طرح‌های نیمه تمام بالای ۶۰ درصد پیشرفت و بازسازی و نوسازی واحدهای صنعتی و معدنی از دیگر برنامه‌های سال ۹۶ بود که در این گزارش بدان پرداخته شد و مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

### پایه‌جمع عمومی دادی سالانه جامعه مهندسان مشاور ایران (نوبت اول)

دوپنجمه‌ای جمع عمومی اعضای سالانه جامعه مهندسان مشاور ایران دعوت می‌نماید در مجمع عمومی عادی سالانه در ساعت ۱۷ تا ساعت ۱۹ چهارشنبه هفتم تیرماه سال جاری (۱۴۰۷/۰۶/۱۹) در محل (مجلس واحد یک- خیابان ۱۶ چهارم پل- تهران- زمین مساحی- ۲۵هکتار) برگزار می‌شود. شرکت فرماینده: **دستور جلسه عبارت است از:** ۱-استماع گزارش شورای هیات ویرت و بازارسان ۲-بررسی و تصویب ترازنامه سال ۱۳۹۵ بودجه سال ۱۳۹۶ و پیشنهادهای شورای مدیریت ۳-انتخاب بازارسان ۴-تعیین روزنامه کنیترانتشار

**شورای مدیریت جامعه مهندسان مشاور ایران**

شهرت شرکت‌های کشاورزی (به شماره ثبت ۹۴۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۰۹۴۷۰۱) در نظر دارد از محل اعتبارات اوراق خزانه اسلامی، انجام عملیات اجرایی در شهرک گلخانه‌ای ماهور باشت واقع در شهرستان گیسپارآن استان کهگیلویه و بویراحمد به شرح جدول ذیل را براساس مفاد اسناد این مناقصه به مناقضان و پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت و رتبه معتبر واگذار نماید.

شهرت شرکت‌های کشاورزی (به شماره ثبت ۹۴۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۰۹۴۷۰۱) در نظر دارد از محل اعتبارات اوراق خزانه اسلامی، انجام عملیات اجرایی در شهرک گلخانه‌ای ماهور باشت واقع در شهرستان گیسپارآن استان کهگیلویه و بویراحمد به شرح جدول ذیل را براساس مفاد اسناد این مناقصه به مناقضان و پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت و رتبه معتبر واگذار نماید.

شهرت شرکت‌های کشاورزی (به شماره ثبت ۹۴۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۰۹۴۷۰۱) در نظر دارد از محل اعتبارات اوراق خزانه اسلامی، انجام عملیات اجرایی در شهرک گلخانه‌ای ماهور باشت واقع در شهرستان گیسپارآن استان کهگیلویه و بویراحمد به شرح جدول ذیل را براساس مفاد اسناد این مناقصه به مناقضان و پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت و رتبه معتبر واگذار نماید.

### دیر خانه کمیسیون معاملات تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۹۷۵۹۵



### شرکت شهر کهای کشاورزی (به شماره ثبت ۹۴۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۰۹۴۷۰۱) در نظر دارد از محل اعتبارات اوراق خزانه اسلامی، انجام عملیات اجرایی در شهرک گلخانه‌ای ماهور باشت واقع در شهرستان گیسپارآن استان کهگیلویه و بویراحمد به شرح جدول ذیل را براساس مفاد اسناد این مناقصه به مناقضان و پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت و رتبه معتبر واگذار نماید.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره	مبلغ برآورد پایه (میلیون ریال)	مبلغ تضمین (میلیون ریال)	فهرست بدهاء	حد اقل رتبه
۱	عملیات اجرای تسطیح شبکه معابر وروابای	۹۶/۶/۱	۷/۶۹۳	۳۸۵	مبناسال ۹۶	رتبه وشته ییمانکار
۲	عملیات اجرایی فنس کشی و ساختمان کتهایی	۹۶/۶/۲	۲۳۰۰	۱۶۵	مبناسال ۹۶	رتبه وشته ییمانکار

شهرت شرکت‌های کشاورزی (به شماره ثبت ۹۴۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۰۹۴۷۰۱) در نظر دارد از محل اعتبارات اوراق خزانه اسلامی، انجام عملیات اجرایی در شهرک گلخانه‌ای ماهور باشت واقع در شهرستان گیسپارآن استان کهگیلویه و بویراحمد به شرح جدول ذیل را براساس مفاد اسناد این مناقصه به مناقضان و پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت و رتبه معتبر واگذار نماید.

### شرکت شهر کهای کشاورزی (به شماره ثبت ۹۴۵۳۲ و شناسه ملی ۱۰۰۹۴۷۰۱) در نظر دارد از محل اعتبارات اوراق خزانه اسلامی، انجام عملیات اجرایی در شهرک گلخانه‌ای ماهور باشت واقع در شهرستان گیسپارآن استان کهگیلویه و بویراحمد به شرح جدول ذیل را براساس مفاد اسناد این مناقصه به مناقضان و پیمانکاران واجد شرایط و دارای صلاحیت و رتبه معتبر واگذار نماید.

### دیر خانه کمیسیون معاملات تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۹۷۵۹۵







## اطلاعات

## سیرى در دعای ابوحمزه ثمالی

<b>استاد کریم زمانی</b>	<b>بخش چهارم</b>
<span></span>	



خدانودا، با تعهد به اسلام، به تو توسل جویم و به حرمت قرآن به تو اعتماد کنم؛ و به دوستی پیامبر اُمّی قریشی هاشمی عربی نهامی مکی مدنی، اینک تقرب به پیشگاه دارم.
اینگ استی کسی با ایمان پیدا کرده‌ام، به وحشت و تنهایی مگردان؛ و پادش مرا چون پادش کسی که جز تو را بر سینه‌ام نگذاشته‌ام؛ زیرا گروهی با زبان به تو گرویده‌اند تا بدین وسیله خون خودم‌مخفوف دارند و ایشان به آزروی خود رسیدند؛ حال آنکه ما با زبان و دل به تو گرویدیم تا از ما گردازی.
اینگ ما را بدینچه آرزومندیم، برسان و امیدت را در سینه‌ها استوار فرما، و دل ما را از آن پس که به ما راه آوردی، به کُزی مکشان؛ و از پیشگاهت بر ما رحمتی ار که همانا تو بی بسیار بخشنده.

پس به عزّت سوسگند، اگر از درگاهت رانمی، هر گز از آن، پای درکتش و از بسیار ستودنت دست بر نکشم؛ از آن رو که سرورا، شناختی از تویم، به عفو و گذشتت، بازگردانم و دوستی‌ات از دلم نرود، که من نمی‌آم که از احسانت برخوردارم کنی و در این سرای سینج، زشتی هایم بپوشانی و از را از یاد ببرم.

چرا نگویم؟

سرورا، دوستی دنیا از دلم برون کن و پیوند ده مرا به زبده و برگزیده و خاندانش که بهترین آفرید گانت هستند
خاتم پیامبران محمد –درد و خناب را او و خاندانش باد– و مرا به مقام توبه و انابت به سویت رسان، و یاری‌ام ده بر زاری بر خویش که عمر به تأخیر در توبه و آرزوهای گذرا سپری کردم، و اینک به جایگاه نومیدان از خیر فرد آمده‌ام.

پس کیست پریش بر آن یک ابر برای آن حال زارم به گور شوم؟ [افسوسا که] آن را برای آرمیدن آماده نکرده‌ام و فرشی از کردار نیک برای غنود نگسترده‌ام!
چرا نگویم؟ کریم برای دمی که جان از کالبدم شودا!
نفس مرا فریفته و روزگارم به نیرنگم گرفته، و در این حال [عقاب] مرگ بالهای خود بر سرم گسترده!
چرا نگویم؟ کریم برای سؤل نکیر و منکر!

کریم برای تاریکی گورم!
کریم برای تنگی لحدم!
کریم برای سؤل نکیر و منکر!
کریم برای سؤل نکیر و منکر!
کریم برای برون آمدن از گور، برهنه و خوار، و بار گران گناه بر دوش؛ گناه –به راست و گاه به چپم نگرم– آنکه که خلائق را در کاری خود زار خوردم بینم. هر کس را از روز کاری است که او را غیر خود بازدارد.
رخساره‌هایی آن روز، گشاده و تابان و خندان و شادان بود، و رخساره‌هایی در آن روز، نشسته در غبار و تیره و خوار.

**امید و تول**

سرورا، بر توسّت تکیه و اعتماد و امید و توکلم، و به ریسمان مهر و رحمت تو درآورختمه، هر که را خواهی، به و رحمتت رسانی و هر که را دوست داری، به کرامت خویش ره نمایم.

پس ستایش تورا ست، زانروی که دلم از آلاش شرک زدوده‌ای. و ستایش تورا ست، زانروی که زبانه به ستایشت گشوده‌ای.
آیا با این زبان بسته سیاست گویم یا با سخنکوشی در کارم خوشنود سازم؟ پروردگارا، زبانه در برابر سیاست به چه آرزود؟ و کردارم در برابر نعمت و احسانت به چه آید؟
معبودا، بخشندگی تو آرزویم گسترده و سیاست‌گزاری‌ات، کردارم پذیرفت.

سرورا، به تو گرایم و تو هر هراسم، و به درگاه تو آرزومندم؛ و آرزویم مرا به سوی تو کشانده.
وای یگانه‌ام، همتم معتکف در گاه تو شد و رغبتم بدینچه نزد تو ست، و بر بال گشوده و گوهر امید و هراسم از آن تو ست، و به توانس دارد مهرم، و دست نیاز به سوی تو گشودم و ترسم را بر ریسمان طاعت تو بستم.

سرورا، بله یاد تو زید و به ناپیشت درد هراسم آرمدم.
اینگ سرورا و امید، و ای نهایت آرمتم، میان من و گناهی که مانع هر مری طاعت تو ست، جدایی فکن.
تو خواهی از آنکه در گاه‌ای است به تو امید بستم، و بزرگ طمعی به تو سرورام که تو سر بده مهر و عطوفت واجب کرده‌ای، امر و فرمان تو را ست، تویی تنهای بی‌شریک، و جمله آفریدگان، روزی بخورند و در قبضه قدرت تو، و هر چیز در برابر تو خوار و خاکسار است، مبارکی تو به پروردگار جهاتیان.

معبودا، آنکه که حجتّم گسلد و زبانه‌ام از ساخت باز ایستد و خردم همکام پرشت پریشان شود، بر من رحم آور.
پس ای بزرگ امیدم، آنکه که بینوایی‌ام شدت گیرد، نومیدم مساز و مرا به دانانی‌ام از درگاهت مران و به پینمایی‌ام از زحمت‌بازم مدار؛ به من بخش به خاطر فقرم و بر رحم آور به خاطر ناتوانی‌ام.

**ریسمان مهر و رحمت**

سرورابر، بر توسّت اعتماد و تکیه و امید و توکلم، و به ریسمان مهر و رحمت تو درآورختمه و به آستان تو بار فرور نهاده‌ام، و به بخشش تو نیازآورده‌ام؛ و به بزرگسوارت، پروردگارا، دعا آغاز کنم و برای فقر و فاقه‌ام به تو امید بستم، و تنگدستی‌ام به توانگرگات جبران کنم، و زیر سیاه عغوت ایستم و به سوی بخشندگی ای، گرم چشم فرادوزم، و به احسانت پیوسته نگرم. پس مرا به آتش مسوزان که نور است، جایگاه امیدم؛ و در دوزخ جایم مده که تویی روشنی چشم من.

سرورا، گمانی که به کرم و احسانت دارم، که تو است مگردان که همانا تویی مایه اعتمادم، و از پاداشت مسوزان، که توئی آگاه به فقرم.
معبودا، چون مرگم درسد و هنوز کردارم مرا به تو نزدیک نساخته،

اعتراف به گناه‌ار و وسیله عذرهایم به در گاه تو گردانم.

**رحم آور ای مهربان**

معبودا، اگر در گذری، کیست که از توبه گذشت سزوار تر باشد؟ و اگر کفری دهی، کیست که در داری از تو دگرگ تر باشد؟ و حق کم در ایسن کفرم و غرشم، و به گاه مرگ باندوم، و به در گور به تنهایی‌ام، و در لحد به بی کسی‌ام، و چون برای حسابرسی در پیشگاهت بر خیزم، به خوار می جایگاهم.

و بیامرز هر آن کرداری که از من سر زده و بر آدمیان پنهان مانده است، و ادامه ده آنچه بر من پوشانندی.

و رحم آور آنکه که در بسترست بیماری افتاده‌ام و دوستانم مرا این رو و آن رو گردانند. و بر من بخششای چون بر سنگس خائله‌ها درآم کنند و همسایگان نکو کارم گردانند. و بر من مهر آور آنکه که خوشبشنام اطراف حشره‌ام گردانم. و بر من ببخش آنکه که مرا به دروش کشند و [سرانجام] است و تنها در گورم به نرزد و تو وار دشوتم و رحم آور بر بیگانگی‌ام در این سرای نو تا آنکه جز به تو تانس نگیرم.

**اسیر بر اور**

معبودا، اگر مرا به خودم وانهی، هلاک شوم.
سرورا، اگر از لغزشم در گذری، از که داد خودم؟ پس اگر عنایت تو در آرمگاهم نپایم، به که تالم؟ اگر اندوهم نزدایی، به که پناه آرم؟ و سرورا، اگر در رحم نپاوری، که در ادم؟ و به کرم بر من رحم آرد؟ و اگر به فضل تو به هنگام نداری‌ام دست نیایم، فضل که از زور کنم و چون مرگم درسد، از گناه خود به که گریزم؟ سرورا، به کفرت دچارم مکن که به تو امیدوارم.

معبودا، امیدم بر اور و هراسم به آرامش گردان؛ زیرا که فزونی گناهم

سرورا، از درگاه تو چیزی خواهم که سزاوران آن نی‌ام؛ ولی تو خود سزاورا تقوا، آرمزشی، بر من آمزش آرد، و از لطفت همامه‌ام بر من پوشان که زشتی‌هایم بپوشاند؛ چنانکه یکسر همه آنها را آمزی و دیگر باده‌ها مؤاخذه شایم. و چون از درگاهت گذشتی دیرین و چشمپوشی بزرگ و گذشت بزرگوار آن.

معبودا، تویی آن که عطای خویش هشی بر آن که خواهشت نکرده و حتی آن را بر منکران مقام پروردگاری نیز تو فراری؛ چه رسد به آن کسی که تو خواهش کرده و یقین دارد که آفرینش از آن تو و فرمان به دست تو ست ای سرورم. مبارک و برترتی، ای پروردگار جهاتیان.
سرورا، نیاز سخت، بندندت را در درگاهت آورد و به شکفتگ به پا داشته است؛ دامعایش در احسانت کوبید. پس روزی بزرگوارت از من مگردان و آنچه گریزم، از من پذیر؛ زیرا من تو را بدین دعا خواندم و امیدوارم آن سان که مهربانی و رحمت را شناخته‌ام، مرا از درگاهت مرانی.

**ادامه دارد**

خواجوی کرمانی در سال ۷۸۹ به دنیا آمده و بخش اصلی عمرش در نیمه نخست قرن هشتم گذشته است. تقریباً می‌توان گفت دوره جوانی حافظ برابر است با دوره پیری و بخشی خواجو و از این نظر هیچ بعد نیست که خواجو الگوی شاعری حافظ بوده‌باشد. خواجو از آن دسته شاعرانی است که جادارد اصالتاً مورد توجه و بررسی قرار گیرد. در فرهنگ ما این مشکل وجود دارد که آدمهای خیلی بزرگ مثل خودرشدی هستند که ماهها و رستارگان فراوانی را به فراموشی می‌پردازند که مولانا، سعدی و حافظ هم همین کار را کرده‌اند. در پرتو نور درخشان حافظ در قرن هشتم، تعداد زیادی ماه و ستاره فروزان از دیده‌ها پنهان شده که خواجو یکی از آنهاست.
مرحوم علامه محمد قزوینی که در مفاخر درجه اول فرهنگ ما و از بنیانگذاران تحقیقات نوین مطالعات زبانی و ادبی است، در مقدمه «تاریخ عصر حافظ» دکتر غنی می‌نویسد: «عمر ما محدود است و این عمر محدود را باید صرف خواندن شاهکارهای کتبیم و از رفتن دنبال شاعران و نویسندگان هم دور و سه پرهیز کنیم.» وی نمونه‌های آن را گوسزد می‌کند و می‌گوید انسان عاقل که قدر وقت را بداند، نباید قافیه کوتاه عمرش را به کسب چیز غرض و بدلی برای آن و چسودن زیاد، در چیزهای صرف کند که حائز درجه اول یا فایده با لطف و زیبایی نباشد، و اگر این امر را مسلم داشت، نباید در جایی که آثار، افکار، اشعار را رودکی، عنصری، قیققی، فردوسی، فرخی، منوچهری، ناصر خسرو، خیام، معزی، سنایی، عنبی، خاقانی، ظهیر قاریایی، جلال‌الدین رومی، سعدی، حافظ و نظایر ایشان از بزرگترین شعرائی درجه اول در میان است، اوقات فراکنهای خود را در مطالعه با بحث و تحقیر و طعنه و خوار و به نادرست از ازمی هروی، رشید طوطا، فردالدین ابو حامد، فیض‌الدین سرقلی، قوامی گنجه‌ای، مجد‌هنگ، امامی هروی، خواجوی کرمانی، سلیمان ساجوی و امثال ایشان که از شعرائی درجه دوم و سوم و به پایین می‌چود، بیهوده تلف کند.

این سخن استاد علاقه‌قزوینی که می‌گوید عمر خیلی کوتاه است و ما بهتر است آن را صرف مطالعه شاهکارهایم، واقعاً درست است! اما اشتباهی که شادروان قزوینی مرتکب شده، این است که کسی مثل خواجوی کرمانی را در کنار کسانی مثل ازرقی، هروی و امثال آن قرار داده و آثار خواجو را از منوچهری، فرخی و ظهیر قاریایی فرو تر دانسته‌اند. بنهایت احترام به جایگاه والای مرحوم قزوینی باید بگوییم این سخن نادرستی است، از جهت ابضاح مفهومی یا قزوینی واقعیت، اما در تعیین مصداق‌ها به خطا رفته و خواجو را به نادرست در این گروه قرار داده است.

غزلیات و برخی از مثنوی‌های خواجو مثل کمال‌نامه، گوهرنامه، گل و نوروز، روضه‌الانوار و خود همای و همایون بسیار ارزشمند و دارای فواید تاریخی، لغوی، ادبی و فرهنگی هستند که از خواجو را کنار بگذاریم، یک جای خالی در ادبیات فارسی ایجاد می‌شود که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند این جای خالی را پر کند.

**یک حلقه از نورچیر، خمسه‌سرای در ایران**

در فرهنگ ما شاعران و نویسندگانی هستند که اگر آنها را کاملاً کنار بگذاریم، شاید هیچ گاه جای خالی آنها احساس نشود؛ اما کسانی هم هستند که حتی به اندازه یک بار آه‌چر در این بنای شکوهمند، سهم و نقشی دارند؛ اگر آنها را برداریم، آنجا خالی می‌ماند که در نظر من خواجو از این گروه است و حیف است که مورد توجه و احترام قرار نگیرد. اگر به جای‌های مختلف آثار خواجو مراجعه کنیم، متوجه می‌شویم که به‌قدر کم روی خواجو مطالعه و کار شده‌است و میراث ما درباره خواجو و اهتمامی که در حق او ورزیده‌ایم، بسیار اندک است و شایسته مقام والای وی نیست.

نظامی گنجوی پیش منی به نامهای موزن‌الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، اسکندرنامه و هفت‌پیکر دارد که «خمسه نظامی» یا «پنج گنج» معروف هستند. از زمان نظامی تا اواخر دوره صفویه، شاعران فراوانی از نظامی تقلید کردند و نظیره‌های فراوانی برای آثار وی پدید آمد که تا آنجا که مطالعه کرده‌ام، بیش از صد خمسه به تقلید از نظامی سروده شده که این عدد بزرگ است و با اطمینان می‌توان گفت از این حیث، هیچ شاعری به اندازه نظامی، جریان‌ساز نبوده که بیش از صد ماکله‌اشته نباشد. در بین بیادام مقلدان نظامی در طول تاریخ، امیر خسرو دهلوی، **خواجوی کرمانی** و جامی، سه نفری هستند که در اعلا به نظر می‌رسند و استادان ادبیات هیچ تردیدی ندارند که این سه نفر، بزرگترین نظیره‌ها برای خمسه نظامی‌اند و راسته‌اند آن‌ها خمسه‌های فراوانی را پدیدیاوردند.

در بین این مقلدان، خواجوی کرمانی یک موقعیت خاص دارد و مقلد صرف نیست. اگر به مجموعه کسانی که از نظامی تقلید کرده‌اند، توجه کنیم، متوجه می‌شویم برخی از این شاعران، حتی نام کتابها و روال و اسلخ‌شان داستان، تقلید از نظامی است. اما خواجو انصافاً این کار را نکرده و برای خودشان قائل بوده‌است که در عین حالی که خواست نظیره‌ها برای آثار نظامی بگوید، استقلال دارد و نیز کنار نگذاشته است. مهمترین دلیل برای اینکه خواجو مقلد صرف نظامی نیست، تطبیق آثار خواجو باخمسه نظامی است. «روضه‌الانوار» خواجو کاملاً یکی برداری از «مخزن‌الاسرار» نظامی است، «گل و نوروز» و «همای و

همایون»، تقلید و شبیه و نظیری برای «خسرو و شیرین» نظامی است، اما «گوهرنامه» خواجو هیچ گونه شبیه و نظیر در بین آثار نظامی ندارد. گوهرنامه تقریباً یک اثر ادبی تاریخی است و خواجو در آن، هفت وزیر از نسل خواجه نظام‌الملک طوسی را که در ایران به وزارت رسیده‌اند، با نسبت‌نامه‌های آنان معرفی می‌کند و یک سند ادبی و تاریخی گرانبها را پدید می‌آورد که در بین آثار نظامی به کلی مفقود است؛ یعنی هیچ گونه نظیری برای گوهرنامه نمی‌توان پیدا کرد. «کمال‌نامه» خواجو هم دقیقاً کبی برداری از نظامی نیست و گذشته از این، خواجو به تقلید از هفت پیکر و «اسکندرنامه» نظامی، هیچ کتابی ندارد؛ بنابراین با اطمینان خاطر می‌توان گفت درست‌است که خواجو یک حلقه از نورچیر، خمسه‌سرای در ایران است، اما به هیچ وجه نباید او را مقلد صرف آثار نظامی به شمار آورد.

**تصویرگری یک دوره از تاریخ ایران**
خواجو علاقه فراوانی به تاریخ دارد، مثلاً در «گل و نوروز»، روز و ماه و سال تولد خود را به صراحت گفته یا در آثارش با دقت و صراحت تمام، سال و ماه سرودن را ذکر

ایران از نشان می‌دهد.
ایسن مثنوی مثل همه کتابهای فرهنگ ما با ستایش و مناجات با خدا شروع می‌شود و بعد در ادامه به نعت پیامبر گرامی اسلام (ص) و نعت مقربان درگاه الهی کشیده می‌شود که این توحیدیه و وصف پیامبر، نه صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده‌است. بعد شاعر در دو صفحه به مدح ابوسعید بهادر و سه صفحه به مدح وزیرش، غیاث‌الدین محمد رشیدی برای گوهرنامه نمی‌توان پیدا کرد.
ساقی‌نامه آورده که چهار صفحه هوشم است. بعد از این مقدمات حدود شش صفحه‌یوم درباره ساقیه نظم کتاب و احوال خود صحبت می‌کند و در ادامه داستان همای و همایون و آشنایی آنها، گونگونی که مر رسین‌دوم عاشق را می‌آورد.

**قصه‌های پریان تکرار کار کرد**

ولادیمیر پراپ کتابی دارد به نام ریخت‌شناسی قصه‌های پریان.» تئوری بنیادین او این است که قصه‌های پریان و افسانه‌ها ظاهر امتنع و متعاند، اما اگر با دقت بیشتری به آن توجه کنیم، متوجه خواهیم شد که علی‌رغم تنوع ظاهری قصه‌ها، یک رشته خوشکاری‌های محدود در این قصه‌ها وجود دارد که در تمامی

# خواجو و خوشکاری قصه‌ها

**سخرنای دکتر ایرج شهبازی در شهر کتاب**



کرده است که این عمل، کار محققان را بسیار راحت کرده و ما می‌توانیم ترتیب تاریخی سروده شدن آثار او را به دقت تمام، تعیین کنیم که ای کاش حافظ یا سعدی یا مولوی هم این کار را می‌کردند.

خواجو پنج مثنوی دارد: «همای و همایون» اولین مثنوی اوست و در سی‌سالگی خواجو جگه شده و سرودنش سیزده سال طول کشیده. مثنوی بعدی «گل و نوروز» است که با فاصله ده سال از همای و همایون سروده شده‌است و مثنوی‌های بعدی یعنی «روضه‌الانوار»، «کمال‌نامه» و در آخر «گوهرنامه» هر کدام یک سال سروده شده‌اند. همای و همایون یک مثنوی‌های خواجو و ضعیف‌ترین دارد، چون سرودن چهار مثنوی بعدی هر کدام تقریباً یک سال طول کشیده‌است و فقط سرودن آن سیزده سال طول کشیده و تحت طول کشیدن آن مسئله مهمی است. به نظر من مطالعه تاریخ سروده شدن همای و همایون به تنهایی سندی است که یک دوره از تاریخ

آنها تکرار می‌شود؛ یعنی همه قصه‌های پریان یک قصه بیشتر نیستند، فقط افراد و بعضی از تضاهای عوض می‌شوند. و با توجه تمام قصه‌های پریان تکرار سری‌ویک خوشکاری (کارکرد یا نقش‌بیزه) هستند که یکی از آنها نهدی، دیگری نقض هوی و… است.

محققان بعدی تعداد این خوشکاری‌ها را کم کردند و دکتر پگاه حدیش زیر نظر استاد مارزلف هنر طرح را بر او افسانه‌های جادویی ایران اجرا کرد و متوجه شد که طرح برای روی افسانه‌های جادویی ایران هم جواب می‌دهد. قصه‌های عاشقانه‌ای که در زبان فارسی به شعر درآمده‌اند، منشا‌های مختلفی دارند که دکتر حسن ذوق‌الفکاری در مقدمه «وامق و عدل‌ای» خواجه شعیب خوشنای چهار منشا برای این قصه‌ها ذکر کرده‌است. بعضی از قصه‌ها منشا ایرانی دارند مثل «خسرو و شیرین» نظامی، برخی منشا عربی دارند که در صدر آنها، «لیلی و مجنون» و «ورقه و گلشاه» عیوقی است. برخی منشا

خط او را خود در عرض خط میر نهاده‌اند. (امثال‌الآثار، ص ۷۳)
**استاد فرادی:** به تعصب او را برتر از میرعماد دانسته‌اند. (یادنامه کلهر، ص ۲۱)
استاد زریں خط: گویا این مرد اسامی عسوی به نام قلب در بدن نداشته که ایسن‌طور آرام و دقیق و صراحت چیز می‌نوشتند. (یادنامه کلهر، ص ۲۴)
**استاد امیرخانی:** در مقام شکر و سپاس از او یادآوری کمال اوست که همه ما خوش‌چین [کلهر] بودهایم. (یادنامه کلهر، ص ۱۰۰)

استاد افغانشلو: میرعلی و میرعماد و میرزا رضا در دوره خود، با هنر خطاطی به عنوان یک هنر زنده متحرک مواجه شده‌اند و قواعد و ضوابط زیبایی شناخت تازه‌ای به وجود آورده‌اند که پیش از آنها مرسوم نبوده است. (از خوشی‌ها و حیرت‌ها، ص ۲۸)
**پی‌نوشت‌ها:**
۷۷- اعتمادالسلطنه، المآثر، ص ۲۰۳.
۷۸- راهبرجیری، مآثر، ص ۱۲ / فضائی، همان، ص ۵۹۱ / قابل‌اشتیاب، همان، ص ۴۰.
۷۹- روزنامه‌های شرق، نمره چهل و دوم، ص ۳۰.
۸۰- قطره‌الذرات، ص ۱۰۱ / اسپوزیتور، ص ۱۰۹.
۸۱- ترجمه اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۹.
۸۲- به خط احقر، میرزا محمد رضا کلهر مرقوم و به زینت طبع در آمد…

شادروان در کتاب مهدی پایی می‌نویسد: «از آثار هنری خطی میرزا کلهر که رقم (محل افغانیه) خالیه که پس از ویران شدن آرد، آن گروستان به جای آن باد شده) انتقال داد و در آنجا به حد آشد سپرد. وفات مرحوم میرزا در روز جمعه ۱۳۰۹-۱۳۱۰ هجری قمری پس از مرگش دارایی او را جمعا ۸۰ هشتاد تومان قیمت‌کرده بودند، و چهل و هشتاد طبعی که داشت، از این نزدیکی سرباز می‌زد، میرزا در سیدر تاج بود و از همان راه مغزوین می‌گذشت.»

میرزای کلهر اگر چه در عصر تریک، و فراگیری و حضور تریک در دست، اما باجناب برای خبر از اندیشه‌های فلسفی او در دست‌نقطه مقابل افکار است. حیات و مظاهر زندگی را و احتیاجات آن را حقیر می‌شمارد و سلوک دوساختی و شرقی دارد. می‌مقایسه با آن تحویر غریبی نیز جایی نخواهد داشت و در نتیجه این پیریزی هنری، ملی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی همین سه که پیرایسی اولین حضور ایران در مجامع فرهنگی بین‌المللی در سر آغاز است که یکی از خبرگان هنرهای معاصرش چون **اعتمادالسلطنه** در المآثر و «الآثار» بدین طاقعیت و زیبایی درباره‌اش می‌نویسد که: «در خط نستعلیق بعد از میرعماد قزوینی، بهتر از وی کسی را نشان دادنده‌ایم، بلکه استادان این هنر بزرگ، خط او را خود در عرض خط من نهاده‌اند. میرزا درویش منش خوششوی، سبک‌روح، مود به‌لذت و با است. محضر مطبوع دارد و طمعی محبوب. با همه اشتیاز حبشش در افاق و تقاضش بر کافه خطاطی این اطلاق، هنوز از دیوان اعلی‌راتبای نخواسته و جرابهای نگرفته

خود را در

میرزای کلهر اگر چه در عصر تریک، و فراگیری و حضور تریک در دست، اما باجناب برای خبر از اندیشه‌های فلسفی او در دست‌نقطه مقابل افکار است. حیات و مظاهر زندگی را و احتیاجات آن را حقیر می‌شمارد و سلوک دوساختی و شرقی دارد. می‌مقایسه با آن تحویر غریبی نیز جایی نخواهد داشت و در نتیجه این پیریزی هنری، ملی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی همین سه که پیرایسی اولین حضور ایران در مجامع فرهنگی بین‌المللی در سر آغاز است که یکی از خبرگان هنرهای معاصرش چون **اعتمادالسلطنه** در المآثر و «الآثار» بدین طاقعیت و زیبایی درباره‌اش می‌نویسد که: «در خط نستعلیق بعد از میرعماد قزوینی، بهتر از وی کسی را نشان دادنده‌ایم، بلکه استادان این هنر بزرگ، خط او را خود در عرض خط من نهاده‌اند. میرزا درویش منش خوششوی، سبک‌روح، مود به‌لذت و با است. محضر مطبوع دارد و طمعی محبوب. با همه اشتیاز حبشش در افاق و تقاضش بر کافه خطاطی این اطلاق، هنوز از دیوان اعلی‌راتبای نخواسته و جرابهای نگرفته

خود را در

**غروب ستاره هنر خوشنویسی**
علامه اقبال **اشتیابی** به نقل از روزنامه بعضی از هنرشناسان آنها را در خطوط

## نظرها و اندیشه‌ها

ایران از نشان می‌دهد.

ایسن مثنوی مثل همه کتابهای فرهنگ ما با ستایش و مناجات با خدا شروع می‌شود و بعد در ادامه به نعت پیامبر گرامی اسلام (ص) و نعت مقربان درگاه الهی کشیده می‌شود که این توحیدیه و وصف پیامبر، نه صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده‌است. بعد شاعر در دو صفحه به مدح ابوسعید بهادر و سه صفحه به مدح وزیرش، غیاث‌الدین محمد رشیدی برای گوهرنامه نمی‌توان پیدا کرد.
ساقی‌نامه آورده که چهار صفحه هوشم است. بعد از این مقدمات حدود شش صفحه‌یوم درباره ساقیه نظم کتاب و احوال خود صحبت می‌کند و در ادامه داستان همای و همایون و آشنایی آنها، گونگونی که مر رسین‌دوم عاشق را می‌آورد.

**قصه‌های پریان تکرار کار کرد**

ولادیمیر پراپ کتابی دارد به نام ریخت‌شناسی قصه‌های پریان.» تئوری بنیادین او این است که قصه‌های پریان و افسانه‌ها ظاهر امتنع و متعاند، اما اگر با دقت بیشتری به آن توجه کنیم، متوجه خواهیم شد که علی‌رغم تنوع ظاهری قصه‌ها، یک رشته خوشکاری‌های محدود در این قصه‌ها وجود دارد که در تمامی

# خواجو و خوشکاری قصه‌ها

**سخرنای دکتر ایرج شهبازی در شهر کتاب**

هندی دارد، مثل «اکلیله و دمنه» و بعضی‌ها هم ریشه‌های یونانی و امثال آنها را دارند، مثل وامق و عذرا».

**تفاوت اصلی قصه‌های عربی و فارسی**

قصه‌های عربی دو سه تفاوت اصلی با قصه‌های عاشقانه فارسی دارند؛ یکی اینکه در قصه‌های عاشقانه عربی، معمولاً عشق از زمان کودکی بر اثر مجالست و همنشینی طولانی مدت ایجاد می‌شود، یعنی ورقه و گلشاه از کودکی همبازی‌اند و این عشق در طی زمان بین آنها ایجاد می‌شود. لیلی و مجنون نیز همین‌طور؛ ولی در قصه‌های عاشقانه فارسی نوع‌عاشق در یک نگاه و یک لحظه ایجاد می‌شود، نه بر اثر همنشینی طولانی مدت.

تفاوت دوم در اینکه عموماً آخر قصه‌های عاشقانه فارسی به فراق و مرگ منتهی می‌شود، ولی قصه‌های عاشقانه

ایرانی عموماً ختم به خیر می‌شوند و سسر از دواج و پیچ‌در پیچ عشق درمی‌آورد. آنچه مورد نظر من است، قصه‌های عاشقانه فارسی که منشا فرستی از آنها تهیه کرده‌ام.

در قصه‌های عاشقانه که قصه فارسی دارند، در صدر همه آنها بدون شک «وایس و امین» اقرار دارد که به

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

همه داستان‌های عاشقانه فارسی عشق دو طرفه است و عشق یک‌طرفه نداریم، به جز استثناهایی که مهمترین و معروف‌ترین آن عشق فرهاد به شیرین است.

ششمین خوشکاریی موانعی است که بر سر راه وصال عاشق و معشوق پیش می‌آید که این موانع گرهایم در داستان ایجاد می‌کنند و این گرها باعث می‌شوند خواننده در حالت ایجاد می‌شود، یعنی ورقه و گلشاه از کودکی همبازی‌اند و این عشق در طی زمان بین آنها ایجاد می‌شود. لیلی و مجنون نیز همین‌طور؛ ولی در قصه‌های عاشقانه فارسی نوع‌عاشق در یک نگاه و یک لحظه ایجاد می‌شود، نه بر اثر همنشینی طولانی مدت.

تفاوت دوم در اینکه عموماً آخر قصه‌های عاشقانه فارسی به فراق و مرگ منتهی می‌شود، ولی قصه‌های عاشقانه

ایرانی عموماً ختم به خیر می‌شوند و سسر از دواج و پیچ‌در پیچ عشق درمی‌آورد. آنچه مورد نظر من است، قصه‌های عاشقانه فارسی که منشا فرستی از آنها تهیه کرده‌ام.

در قصه‌های عاشقانه که قصه فارسی دارند، در صدر همه آنها بدون شک «وایس و امین» اقرار دارد که به

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای

نظر من برترین منظومه عاشقانه ادبیات فارسی است که حتی بر «خسرو و شیرین» نظامی برتری‌های قاطع دارد. واقع گرای













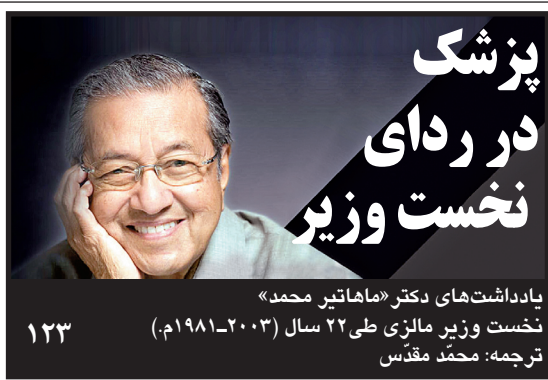












یادداشت‌های دکتر «ماهاتیر محمد»

**نخست وزیر مالزی** طی ۲۲ سال (۲۰۰۳–۱۹۸۱م.)

ترجمه: محمّد مقدّس

زیرا چینی‌ها در چنین فدرالیسمی، بزرگترین مجموعه نژادی کشور را تشکیل می‌دادند. مالایایی‌های جزیره با وجودی که سنگاپور به لحاظ تاریخی و جغرافیایی، بخشی از مالایا به شمار می‌رفت، هرگز مایل به پیوستن آن به کشور جدید پیشنهادی نبودند. حقیقت آن است که بهتر بود سنگاپور به «جمهوری» به «مالایا» بازمی‌گشت زیرا اساسا بخشی از سرزمین مالایا بود ولی مالایایی‌های جزیره که باید به آینده خود می‌اندیشیدند، اعتراضی به مستثنی ساختن سنگاپور از پیشنهاد «اتحاد مالایا» نکردند همچنانکه هیچ تمایلی به پیوستن آن پیش از استقلال یا بعد از آن نیز نشان ندادند. آنها نسبت به این حقیقت کاملاً واقف بودند که جامعه بزرگ و بی‌محابای چینی در سنگاپور، حتماً کفه ترازوی نژادی در شبه جزیره را به سود غیرمالایایی‌ها سنگین خواهد کرد.
شمار مالایایی‌ها از زمان استقلال در سال ۱۹۵۷م. از حدود ۵۰ درصد در شبه جزیره مالایا بیشتر نشده بود حال آنکه چینی‌ها بیش از ۲۰ درصد و هندی‌ها حدود ۱۰ درصد و بقیه از دیگر گروه‌های نژادی آن را تشکیل می‌دادند. پیوستن جمعیت سنگاپور به این امیزه جمعیتی، درصـد چینی‌ها و شمار مطلق آنها را افزایش می‌داد. شاید پیوستن جمعیت «سراواک» و «برونی» و «بورنیوی شمالی بریتانیا» از در صد کلی چینی‌ها می‌کاست ولی تعداد مالایایی‌ها و نه وزن دموگرافیک آنان را افزایش می‌داد و در عین حال تأثیری بر وضع چینی‌ها نداشت زیرا آنها بزرگترین عنصر نژادی در جمعیت فدرالیسم جدید پیشنهادی می‌شدند.

سلطه مالایایی‌ها بر مالایا ضعیف بود. در بعد دموگرافیک، پیش از جنگ جهانی دوم شمار اقلیت‌های دیگر در شبه جزیره بیش از آنها بود و در بعد سیاسی، موضع آنها به علت معاهده‌های «مک مایکل» – که پس از جنگ به امضا رسید و راه تأسیس «اتحاد مالایا» را هموار ساخت، تضعیف شده بود و هنگامی که سلاطین همه چیز را در اختیار بریتانیایی‌ها قرار دادند، رعایای مالایایی به منظور اعتراض به آنها تجمع کردند و به پاری جمعیت زیاد مالایایی‌ها و روش‌های زیرکانه سیاسی، توانستند حکام خود را نجات دهند و به صدارت‌نشین در سرزمین مالایا بگزرند. با اجتماع مالایایی‌ها و نظمی که از آن برخوردار بودند، موفق شدند تغییراتی در این روند ایجاد کنند: «اتحاد مالایا» و نیز معاهدات «مک‌مایکل» لغو شد و به جای آن فدرالیسم جدیدی شکل گرفت و بر همین اساس، کشور استقلال خود را به دست آورد. در طول این مراحل دلسوار، مالایایی‌ها کاملاً توجه اهمیت جمعیت و دموگرافی سیاسی خود بودند. اینکه آنها ساکنان اصلی این سرزمین بودند – به رغم اهمیت سیمبلیکی که داشت – در میزان قدرت تشکیل اکثریت جمعیت این سرزمین تأثیر شگرفی نداشت لذا در پذیرش ایده «تونکو» در خصوص فدرالیسمی گسترده‌تر یا پیوستن سنگاپور– به دلیل بیم از اینکه دیگر در آن اکثریت را نداشته باشند– تردید نشان دادند.

پیش از آن مالایایی‌ها با صرف نظر از نام سرزمین محبوب خود – که ایکب با عنوان فدرالیسم خوانده می‌شد– امتیاز فرهنگی بزرگی داده بودند ولی هنوز هم سرزمین مالایا را به نام «سیمپاتر» از یعنی «فدرالیسم‌زمین‌های مالایا» می‌خواند. مالایایی‌ها پیش از آن برای کشور جدید خود که ایکب ایالت‌های جدیدی را شامل می‌شد، نامی پیشنهاد داده بودند ولی نام «مالایا رایا» یا «سرزمین بزرگ مالایا» از سوی ساکنان «سراواک» و «برونی» و «بورنیوی شمالی بریتانیا» و «سنگاپور» قاطعانه ردّ شده بود و مالایایی‌های همیشه مرقد، سرخط‌نام تسلیم شدند و مقرّر شد نام فدرالیسم جدید، «مالزی» باشد. ولی این خاطرات مالایایی‌ها با روبرو بودن به همین جا ختم نمی‌شد. به منجلیه «تونکو» «خطور نمی‌کرد» که شمار جمعیت سنگاپور در آن زمان بیش از جمعیت «سراواک» و «بورنیو» بود، ساکنان اصلی در این دو ایالت حدود ۵۷ درصد جمعیت اصلی را تشکیل می‌دادند حال آنکه چینی‌ها نیز حدود ۵۷ درصد جمعیت «سنگاپور» را تشکیل می‌دادند ولی از آنجا که جمعیت سنگاپور بیشتر بود، چینی‌های آن به سادگی می‌توانستند بر ساکنان اصلی در «سراواک» و «بورنیوی شمالی» – به لحاظ عددی – فائق آیند.

ادامه دارد

قطر تلاش دارد با همه اهرم‌ها و برعهاییسی که در اختیار دارد در عرصه منطقه و مناسبات بین‌المللی در برابر ریاض عرض اندام کند.

حسن رستمی در خبرگزاری تسنیم نوشت، شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر با حجت الاسلام حسن روحانی رئیس جمهوری کشورمان تلفنی گفتگو کرد. گفتگوی تلفنی مسران دو کشور در شرایطی صورت می‌گیرد که تنش در مناسبات دو حوه و ریاض در پی انتشار اظهارات متنبس به امیر قطر در خبرگزاری این کشور بالا گرفته‌است. انفجار اختلافات بین قطر و عربستان زمانی آغاز شد که شبکه سعودی العریبه و شبکه اماراتی اسکائی نیز اظهارات متنبس به شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی شماری از نظامیان را منتشر کرد که در آن وی به دامن زدن به اختلافات منطقه‌ای اعتراض و قراردادن نام حزب الله و جنبش حماس در فهرست تروریسم را محکوم کرد و از آنها به عنوان جنبش مقاومت نام برد و عربستان، امارات و بحرین را به تحریک علیه قطر و حمایت از تروریسم متهم کرد. وی همچنین ضمن دفاع از ایران از سیاست کشورهای منطقه از جمله عربستان در تعامل با ایران و تلاش برای ایران هراسی انتقاد کرد. وی همچنین گفت: کشورهای که مدعی نبرد با تروریسم هستند خود بیش از دیگران تندرو مذهبی هستند و بهانه دست تروریست‌ها می‌دهند.تمیم‌با را از این هم فراتر گذاشت و از هزینه میلیاردها دلار برای خرید سلاح به جای هزینه آن برای طرح‌های اقتصادی انتقاد کرد.

به دنبال آن شبکه‌های العربیه و اسکائی نیزسوز عربی ضمن پخش این اظهارات به سیاست‌های منطقه‌ای قطر تاختند و با میزانی شمار زیادی از تحلیلگران مصری و سعودی، این کشور را به تروریسم و پناه دادن گروه‌های تروریستی به ویژه جنبش اخوان المسلمین متهم کردند. در پی این موضوع عربی تند عربستان و امارات، شبکه الجزیره قطر که بازوی رسانه‌ای این کشور به شمار می رود به پخش برنامه عادی خود ادامه داد، با اینکه یک مسئول قطری بعد از چند ساعت در بیانیه‌ای بسیار کوتاه گفت: خبرگزاری قطر از سوی طرف‌های شناسا هک شده و اظهارات متنبس به امیر قطر جعلی است. از سوی دیگر خبر شبکه العربیه مبنی بر این که شیخ محمد بسن عبدالرحمن وزیر سرخ قطر از سفرای مصر، بحرین، امارات و عربستان خواسته است، ظرف ۲۴ ساعت قطر را تسرک کند بر پیچیدگی اوضاع افزود. اما چند لحظه بعد این خبر نیز از سوی وزیر خارجه قطر تکذیب شد. عربستان، امارات و بحرین در تصمیمی فوری پانچ‌گانه‌ای شبکه الجزیره و همه روزنامه‌های قطر در شبکه اینترنت را فیلتر کردند. این اقدامات نشان داد که تکذیب اظهارات تمیم از سوی قطر و تأکید بر هک شدن خبرگزاری این کشور برای این کشورها قانع کننده نبوده و توانست از شدت بحران بکاهد. به محلات تند علیه این کشور پایان دهد. در چنین شرایطی که بحران در مناسبات قطر و کشورهای عربی بالا گرفته برقراری

### روابط بین‌الملل

# پیام قطر به ریاض؛ انشقاق در جبهه عربی



عربستان خارج کند و در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه ریاض بایستد به بیان دیگر قطری‌ها مانند برخی دیگر از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دوست سعودی بودند. با توجه به اینکه قطر در برهه کنونی در برابر حملات دیگر کشورها خود را تنها می بیند این کشور به دنبال جهت تقویت مناسبات میان تهران و دو حه همین روی تلاش دارد به همپیمان قوی در منطقه‌ای که برای گسترش روابط با تهران به عنوان کشور قدرتمند منطقه در شرایط کنونی دارد. و اینکه چرا قطر در شرایط کنونی تصمیم به نزدیکی مناسبات با ایران را گرفته است دلایل زیادی را می‌توان برای آن ذکر کرد. قطری‌ها به این درک رسیده‌اند که سعودی‌ها سعی دارند ریاض مصر، بحرین، امارات و عربستان سلطه خود گرفته و نباید هیچ اقدامی خارج از چارچوب تعریف شده عربستان صورت دهد و نقش آنها محدود به نقشی باشد که ریاض برای آنها در نظر گرفته است. در شرایطی کشورهای کوچک می‌توانند از عرصه مناسبات بین‌الملل حذف خواهند شد که این خوشایند قطر نیست. از این رو قطر تلاش دارد با همه اهرم‌ها و برعهایی که در اختیار دارد در عرصه منطقه و مناسبات بین‌المللی در برابر ریاض عرض اندام کند که اقدام اخیر در قیسال ریاض را می توان نمونه ای از اقدامات عملگراییانه و مستقل این کشور دانست که قصد دارد خود را از زیر سلطه

همکاری مشترک است". در زمینه مسائل سیاسی از جمله موضوع سوریه و نیز اقتصادی دو کشور می تواندهمکاری‌های بیشتری با هم داشته باشند. تهران و دو حه می توانند به رغم اختلاف در موضع سوریه با هماهنگی کردن مواضع طرفین در قبال بحران سوریه به یک راه حل سیاسی برای پایان دادن به بحران این کشور دست یابند که این امر نیازمند گفت‌وگوهای بیشتر و مستمر بین طرفین است تا بتوان به یک دیدگاه و تفاهم منطقه‌ای نزدیک شود. البته نباید وجود هجمه گسترده رسانه‌های سعودی و اماراتی علیه قطر به نظر می رسد که این کشور تلاش دارد همچنان آرامش را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد و تنش از این سطحی که هست فراتر نرود و این اقدامات را می توان در دو سطح سیاسی و رسانه‌ای این کشور مشاهده کرد. به هر حال نزدیک شدن قطر به ایران پیامی آشکار به ریاض از سوی مقامات قطری و حامل این پیام است که در شرایط بحرانی ریاض نیز نباید حضور است به تهران مخالف سیاست‌های ریاض در منطقه نزدیک شود و تهران را در این شرایط ترجیح دهد. این سیاست قطر می تواند آغاز راهی برای تعاملات و همکاری‌های مشترک بین دو کشور برای حل مشکلات منطقه‌ای باشد که این بار با انتقاد از قطر اشتباهش را در حرکت به سمت جلب دوستی ایران به آن گوشزد کردند. در این میان عکاظ در مطای تحت عنوان «امیر قطر با روحانی

رسانه‌های سعودی جام خشم را سر کشیدند در پی تماس امیر قطر با حسن روحانی رئیس‌جمهوری کشورمان، عصبانیت رسانه‌های سعودی به جایی رسید که با سر کشیدن جام خشم علیه قطر، مجال را برای اتهام‌زنی علیه ایران نیز فراهم دیدند. به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، در پی اظهارات متنبس به امیر قطر در خصوص مسائل مختلف از جمله مخالفت شدید با مواضع علیه ایران، رسانه‌های سعودی از جمله روزنامه عکاظ،الریاضی و الشرق الاوسط علیه دو حه بسیج شده آن را آمخ حملات و انتقادات تند قرار دادند و در این میان تماس تلفنی امیر قطر با حسن روحانی رئیس جمهور ایران این عصبانیت را به‌شدی افزایش داد که گویی این رسانه‌ها جام خشم را سر کشیدند.

#### تاریخ انتشار ۹۶/۳/۱۶

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع خاص کارکنان پژوهشگاه پلیمیر ایران به شماره ثبت: ۱۵۵۱۳۲۲**

**وشانه ملی ۱۰۱۰۱۹۷۸۸۶۳**

#### آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول

مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی تولیدی توزیع خاص کارکنان پژوهشگاه پلیمیر ایران در ساعته ۱۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۳۹۶/۳/۱۶ در محل حضور غیضو تنها یک رای خواهد کیلومتر ۱۵ اتوبان تهران - کرج بلوار پژوهش - پژوهشگاه پلیمیر ایران بر گزار می‌شود. از انبیه اشخاص دعوت می‌شود حضور و با واکالت جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور به هم رسانند.

ضمناً به اطلاع می‌رساند به موجب ماده ۱۹ این‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی تعداد آراء و کالتهی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود و اعضای نمایندگان اعطای نمایندگی می‌بایست به همراه نمایندگی خود حداکثر تا تاریخ ۱۶/۳/۱۳۹۷ در محل دفتر تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالتنامه بر که ورود به مجمع واردات دارند.

**سندرج جلسه: ۱-** طرح و تصویب اساسنامه جدید و انطباق با اصلاحیه قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۹۲

**هیت مدیره**

#### تاریخ انتشار ۹۶/۳/۱۶

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع خاص کارکنان پژوهشگاه پلیمیر ایران به شماره ثبت: ۱۵۵۱۳۲۲وشانه ملی ۱۰۱۰۱۹۷۸۸۶۳**

#### آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول

از اعضای محترم این شرکت دعوت می‌شود در مجمع عمومی عادی نوبت اول که در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۶/۳/۱۲ در محل دفتر تعاونی و در اتوبان تهران - کرج کیلومتر ۱۵- بلوار پژوهش - پژوهشگاه پلیمیر ایران شرکت کرده و به موضوع به هم رسانند.

ضمناً به اطلاع می‌رساند به موجب ماده ۱۹ این‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی تعداد آراء و کالتهی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود و اعضای نمایندگان اعطای نمایندگی می‌بایست به همراه نمایندگی خود حداکثر تا تاریخ ۱۶/۳/۱۳۹۷ در محل دفتر تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالتنامه بر که ورود به مجمع واردات دارند.

**سندرج جلسه: ۱-** طرح و تصویب اساسنامه جدید و انطباق با اصلاحیه قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۹۲

**هیت مدیره**

#### تاریخ انتشار ۹۶/۳/۱۶

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع خاص کارکنان پژوهشگاه پلیمیر ایران به شماره ثبت: ۱۵۵۱۳۲۲وشانه ملی ۱۰۱۰۱۹۷۸۸۶۳**

#### آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول

از اعضای محترم این شرکت دعوت می‌شود در مجمع عمومی عادی نوبت اول که در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۶/۳/۱۲ در محل دفتر تعاونی و در اتوبان تهران - کرج کیلومتر ۱۵- بلوار پژوهش - پژوهشگاه پلیمیر ایران شرکت کرده و به موضوع به هم رسانند.

ضمناً به اطلاع می‌رساند به موجب ماده ۱۹ این‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی تعداد آراء و کالتهی هر عضو حداکثر ۳ رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای خواهد بود و اعضای نمایندگان اعطای نمایندگی می‌بایست به همراه نمایندگی خود حداکثر تا تاریخ ۱۶/۳/۱۳۹۶ در محل دفتر تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالتنامه بر که ورود به مجمع واردات دارند.

#### سندرج جلسه: ۱- طرح و تصویب اساسنامه جدید و انطباق با اصلاحیه قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۹۲

**هیت مدیره**

#### تاریخ انتشار ۹۶/۳/۱۶

**شرکت تعاونی تولیدی توزیع خاص کارکنان پژوهشگاه پلیمیر ایران به شماره ثبت: ۱۵۵۱۳۲۲وشانه ملی ۱۰۱۰۱۹۷۸۸۶۳**

#### آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول

از اعضای محترم این شرکت دعوت می‌شود در مجمع عمومی عادی نوبت اول که در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۶/۳/۱۲ در محل دفتر تعاونی و در اتوبان تهران - کرج کیلومتر ۱۵- بلوار پژوهش - پژوهشگاه پلیمیر ایران شرکت کرده و به موضوع به هم رسانند.

#### سندرج جلسه: ۱- طرح و تصویب اساسنامه جدید و انطباق با اصلاحیه قانون بخش تعاون مصوب ۱۳۹۲

**هیت مدیره**

#### آگهی تغییرات شرکت با کسان سهامی عام

**به شماره ثبت ۸۴۴۳۰۸۶وشانه ملی ۱۰۱۰۰۶۴۴۹۸۸**

#### آگهی دعوت توجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ

به استناد توجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - در پهنه‌های مالی شرکت مشتمل بر ترازنامه مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۳۰، مورد تصویب مجمع قرار گرفت. - موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سخن حق با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۵۳۲۵۰ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی آبتون آریا با شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۷۲۹۳۴۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. -روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درآه آگهی‌های شرکت برای مدت یکسال تعیین گردید. - اعضاء اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره شرکت برای مدت دو سال به شرح ذیل انتخاب گردیدند: اعضاء اصلی: شرکت مدیریت صنعت شوشکه توسعه صنایع بهشهر به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۵۵۷۶۵۰ شرکت صنایع بهداشتی ساینا به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۹۹۹۵۰ شرکت مدیریت باران توسعه بهشهر به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۱۲۴۱ شرکت مواردی هاهون به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۰۲۹۹۱۹۹ شرکت گلشاه به شناسه ملی ۱۰۲۴۴۵۷۳۰ اعضاء علی‌البدل: شرکت ششای توسعه بهشهر به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۰۱۹۰۵ شرکت خدمات بیمه ای پوشش توسعه بهشهر به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۴۰۳۳۰

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۴۴۷۳۷)**

## فراخوان مناقصه نوبت دوم

**شرکت مدیریت طرح و اجرا خانه سازی (متعلق به سازمان تأمین اجتماعی) در نظر دارد جهت اجرای پروژه های زیر، پس از شناخت پیمانکاران از طریق مناقصه عمومی به انتخاب پیمانکار اقدام نماید.**

شماره فراخوان	عنوان پروژه
۹۶/۱۵۴/۲	اجرای کارهای ساختمانی و تأسیساتی پروژه شعبه تأمین اجتماعی فشافویه (رتبه ۴ اینته و ۴ تأسیسات)
۹۶/۱۵۵/۲	اجرای کارهای ساختمانی و تأسیساتی پروژه دربانهگاه عمومی تأمین اجتماعی درگز (رتبه ۴ اینته و ۴ تأسیسات)

لذا از کلیه شرکتهایی که دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری حداقل درخواستی بوده و از تجربه، توانایی و صلاحیت کافی برخوردار هستند، دعوت می‌گردد، فقط با مراجعه به آدرس اینترنتی **www.khaneh-sazi** ضمن پرداخت هزینه مربوطه، نسبت به دریافت فرمهای آزرایی به منظور تکمیل و ارسال آن تا ساعات ۱۶ روزه شنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۷ به آدرس زیر اقدام نمایند.

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان شهید برادران عبدالله زاده، خیابان سازمان آب، پلاک ۳۴،دفتر حراست (دستگاه مناقصه قرار در قبول یا رد پیشنهادات مختار است).
**تلفن: ۸۸۹۱۹۶۱-۰۲۱ توج: حداقل ۲۰٪ هزینه اجرای پروژه به وسیله تهازی زمین و مستلات در سراسر کشور مهتگک خواهد گردید.**

#### اطلاعیه

احتراماً پیرو آگهی‌های شماره ۱۶/۰۶۰۰۰۶۰۰۶۰۰ مورخ ۹۳/۰۷/۱۰ و ۱۳۰۳۰۷/۱۵۰۰۰ مورخ ۱۳/۰۲/۰۹۶، بدینوسیله از سهامداران محترمی که تاکنون جهت دریافت سود سهام عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ مراجعه نموده‌اند، تقاضا می‌گردد در اسرع وقت فرم ذیل را تکمیل و به اداره سهام این شرکت به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، نبش خیابان شمس تبریزی شمالی، پلاک ۱۸۷، طبقه اول، واحد ۶- حدکستی: ۱۹۱۹۹۱۳۵۳۲ و یا شماره فکس: ۲۲۴۰۰۲۴۰-۰۲۱، ارسال فرمایند تا نسبت به واریز وجوه مربوطه اقدام گردد.

نام و نام خانوادگی نام شرکت:	
نام پدر:	۷۷۲
محل صدور اهت:	۷۸۳
کدملی(اشخاص حقیقی):	۱۵۰۱
نشانی:	۳,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تلفن ثابت:	۱۵۰۱
تلفن همراه:	۵,۴۴۴,۳۵۵
نام بانک:	۵,۴۴۴,۳۵۵
کدشعبه:	(۱۹۱,۳۲۸)
شماره حساب:	۶,۴۴۴,۳۵۵
شماره شبانه(۲۴):	(۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰)
تاریخ و امضا:	۶,۴۴۴,۳۵۵

لازم به ذکر است فرم مربوطه برای سهامداران حقوقی می بایست توسط صاحبان سهام، معاز امضا و مهر گردد. همچنین تصویر روزنامه رسمی آخرین تغییرات مربوط به صاحبان امضا نیز ارسال گردد.

ایران زمین ختارمست

اظهارات مسئولان قطری خشک نشده بود که خبر تماس تلفنی امیر قطر با رئیس جمهوری ایران به گوشمان رسید؛ کشوری که خادم حرمین شریفین در نشست سران عربی و اسلامی با آمریکا که امیر قطر نیز در آن حضور داشت از آن تحت عنوان نوک پیکان تروریسم جهانی از زمان انقلاب اسلامی ایران تا امروز یاد کرد.

ریاض در ادامه مدعی شد، ایران ابتکار عمل‌های مربوط به حسن همسایگی را از طرف همسایگانش رد کرده به‌جای آن به دخالت در مسائل این کشورها متوسل شد و با این کار اصول حسن همسایگی و احترام متقابل را زیر پا گذاشت. این روزنامه نوشت: در این میان وقتی قطر خاسنگاه طبیعی خود را با خاسنگاه ساختگی ایران عوض می‌کند، به این معنی است که تفکرات سیاسی راهبردی قطر دشمنش اختلاف شده است و البته ایران نیز از نزدیک شدن قطر استقبال کرد زیرا آن را به‌نفع منافع خود می‌داند و از آن نهایت بهره‌برداری را می‌کند. اما سؤال مهم اینکه، منعت قطر از خریدن به‌سمت ایران چیست؟ در پاسخ باید گفت، چپسا گذر زودگذری است که زود یا دیر تمام خواهد شد و پس از آن قطر خود را در نیمه راه خواهد دید زیرا این اقدامات در افروشی می‌شود و نه بخشیده. روزنامه الشرق الاوسط در راستای انتقاد علیه قطر نوشت، اینکه قطر درصدد تقویت نقش و نفوذ خود برآید تعجی ندارد، زیرا برعه‌های برنده مالی و رسانه‌ای قوی‌ای برای تحقق این هدف در اختیار دارد اما در این راه تا آنجا پیش رفته است که به دام توهم افتاده است.

نویسنده مقاله الشرق الاوسط در خصوص اتهام‌زنی به قطر وارد جزئیات سلا‌های پیش‌شده و با اشاره به مصاحبه‌ای که با محمود جبریل اولین نخست وزیر لیبی پس از سرنگونی معمر قذافی داشت، نوشت: تجلی‌گفت قطر از انتفاضه لیبی کمک تسلیحاتی و مالی به عمل آورد و ساخت در تلاش برای منسوب کردن الحکم‌بلاج به‌عنوان فرمانده انقلابیون لیبی بود؛ کسی که سرکرد سابق جماعت اسلامی لیبی بوده و در افغانستان می‌جنگید اما آمریکایی‌ها و او را دستگیر کرده تحویل قذافی دادند و تا سال ۲۰۱۰ در زندان‌های در نه‌نهایت قطر به تاخیر انداختن انتفاضه در لیبی سعی کرد زمینه ورود بلاج به این کشور را فراهم کند.

#### فراخوانند قطر به بازنگری عمیق در سیاست‌های خود

این روزنامه در ادامه یادآور شد، اکنون با تغییر سیاست‌های آمریکا در منطقه دیگر قطر قادر به ایفای نقش مابانی در ارتباط با اخوان‌المسلمین و به قدرت رساندن آنان نیست و در نشست ریاض نیز حاضران مخالفت خود با سیاست ایران در ایجاد بی‌ثباتی در منطقه و حمایت از عربستان از یاد داشتند و در این میان روابط قطر با کشورهای اطراف خود دیگر روابطی طبیعی و باثبات نیست مگر اینکه دو حه در سیاست‌های خود به‌طور ریشمی بازنگری کنند و به‌پایرد که نقش قبلی آن دیگر قابل قبول نیست و به‌نفع آن است که به حد و مرز نقش طبیعی خود بازگرد.

ادامه دارد





















سخنی با رئیس جمهور منتخب

## امید را به تدبیر فرهنگ گره بزنید!



به یاری حق و حق رأی، بار دیگر فردی بر مسند جمهوریت نشست که پیش از این گفته بود من سرهنگ نیستم، من حقوق دانم. پیش از هر کس، این سخن او به دل اهل فرهنگ نشست که با فرهنگ سرهنگی بر سر مهر نبودند و سالها موقعیت آنها پشت فرهنگ امنیتی، ناامن بود. همان‌ها که این سخن حسن روحانی را همچون سخنی روحانی لیبک گفتند که ما امنیت فرهنگی می‌خواهیم، نه فرهنگ امنیتی!

در انتخابات اخیر نیز اصحاب فرهنگ و هنر و رسانه، بیش از هر قشر دیگری پشت جبهه اعتدال قرار گرفتند و از دولت تدبیر و امید حمایت کردند و چه بسا بیشترین حقی که دولت دوازدهم بر گردن دارد، ادای دین به اهالی فرهنگ و هنر است که همواره علیرغم همه کاستی و نابسامانی‌ها و علیرغم همه کوتاهی‌هایی که در حق آنها صورت گرفت، در بزنگاه‌های تاریخی با نگاهی غیر صنفی به سربازان دموکراسی بدل شدند و از ظرفیت و ظرفیت هنری خویش در جهت شکوفایی وطن و تقویت این شکوه پابرجا از پای ننشستند.



بدیهی است، رئیس جمهوری که حقوقدان است، می‌داند که سیاست ما چقدر به هنر و فرهنگ ما بدهکار بوده و چه مسؤولیت بزرگی بر دوش اوست. چنانچه خود رئیس جمهور نیز در واکنش به این سخن جمشید مشایخی که: «اگر روحانی انتخاب نمی‌شد، از ایران می‌رفتم» گفت: این سخن مرا تکان داد و مسؤولیت بزرگی بر دوش من گذاشت.

واقعیت این است که آقای رئیس جمهور، بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر اگر شما خدای نکرده انتخاب نشده بودید، امکان و توان خروج از کشور را نداشتند و به جای خارج نشینی، خانه نشین می‌شدند؛ همچنان که در آن هشت سال کابوسی، بسیاری از اهل فرهنگ و هنر خانه‌نشین شدند و علیرغم فضای مساعد و هوای سالم‌تر دولت یازدهم، نتوانستند به شکل طبیعی نفس بکشند.

اگر هوای اهواز غبار آلود است، هوای حال اهل فرهنگ و هنر نیز کم از آن ندارد. خوشبختانه به نظر می‌رسد که شما صدای این قبیله را شنیده‌اید و تأکید کرده‌اید که دولت حمایت ویژه‌ای از اهالی فرهنگ و هنر خواهد کرد. رفع توقیف خانه پدری کیانوش عیاری نیز گواه خوبی بر این مدعا شد تا قدم اول برای گشایش از گره‌های فرهنگ و هنر برداشته شود. رئیس جمهور منتخب! قطعاً شما که خود اهل دانش و فرهنگ هستید، می‌دانید که این قبیله به دلیل عزت نفس و جایگاهی که در جامعه دارد، همواره صورت خود را با سیلی سرخ نگه داشته و روح حساس هنرمندش، دشواری‌های بیشتری را در فشارهای زندگی تحمل کرده است. متأسفانه ناامنی و بی‌ثباتی شغلی و بیکاری‌های پنهان در این قشر، آزار دهنده شده و گاه چنان عرصه بر آنها تنگ می‌شود که ساز فرهنگ، آهنگ ناکوک می‌زند. افزایش آمار مرگ و میر در بین هنرمندان و نویسندگان، نشانه تلخی از این فشارهای مضاعف است.

بقیه در صفحه ۲

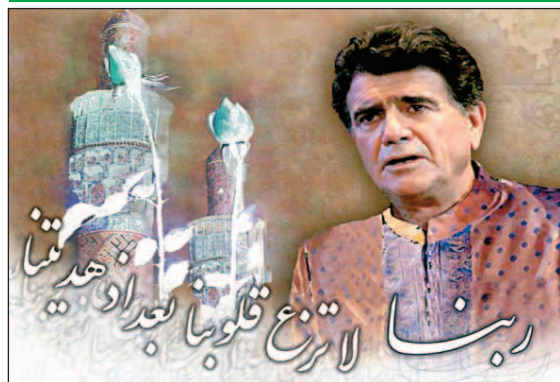


اجرای سمفونی روح‌الله در تالار وحدت

خاطرات استاد شجریان از چگونگی ضبط و پخش دعای ربّنا

## ربّنا به مردم تعلق دارد...

حسین فرازمندا



وجیه‌اللهی که فردی تحصیل‌کرده و روشنفکر بود، از من موکداً و مرتباً می‌خواست تا با توجه به تغییرات و تحولات سیاسی و مذهبی ایران برای پخش آثار جدید قبل از افطار طرحی انجام بدهم. آنها نمی‌خواستند آثار دوره قبلی را پخش کنند. به ایشان گفتم سال‌هاست من از آن فضا دور شدم و راه من با موسیقی و ارکستر تعریف شده است و این کار الان من نیست؛ اما ایشان گفت که فقط شما می‌توانید و ما تنها شما را داریم و از من خواست برای دم افطار، مناجات‌ها و اذان، کاری انجام بدهم.

استاد در ادامه می‌گوید:

«من خودم را از وزارت کشاورزی آن دوران به رادیو منتقل کرده بودم و کارمند رادیو محسوب می‌شدم. پذیرفتم این کار را انجام بدهم. کلاسی برای افرادی که قرار بود دعای سحر و مناجات بخوانند، گذاشتم که با این افراد نحوه درست خواندن را کار کنم.

تابستان سال ۵۸ بود که آموزش این عده را شروع کردم و پس از مدتی هم ضبط این آثار را آغاز کردم. قرار شد برای دم افطار هم برنامه ضبط کنیم و از من خواستند که برای برنامه‌های دم افطار هم فکری بکنم. برنامه‌های دم افطار دوران قبل از انقلاب را مرحوم ذبیحی بسیار عالی خوانده بود و من تمام کارهای او را از نوجوانی شنیده بودم و مناجات حضرت امیر را با صدای او از حفظ بودم. با این حال پذیرفتم که این کار را بکنم.»

ادامه مرحوم ذبیحی

استاد می‌افزاید که: «ما باید این را بدانیم که عادت را از مردم نمی‌توان گرفت. مردم به ربّنا و دعای سحرمرحوم ذبیحی و اذان مرحوم مؤذن‌زاده اردبیلی، عادت کرده بودند. بقیه در صفحه ۴

چندسالی است که نزدیک‌های ماه مبارک که می‌شود، بحث‌ها و حرف‌های زیادی در باره این که: «آیا امسال، ماه مبارک را با ربّنا استاد شجریان خواهیم گذراند یا نه؟» در محافل ادبی، هنری و رسانه‌ای از سر گرفته می‌شود. این اواخر هم حرف و حدیث‌هایی در اطراف آن شکل گرفت که به نظر ما بیشتر، ریشه و منشأ سیاسی دارد و ما نمی‌خواهیم در اینجا وارد آن شویم.

قصد ما در این مجال و مقال، به رسم معمول و معهود همیشه، بررسی تاریخچه آثار معروف موسیقایی و آوازی است. از اینرو، بد نیست به بهانه ماه مبارک رمضان، سری به گذشته‌ها و زمانی که این اثر سماواتی «ربّنا»ی استاد شجریان، ضبط و آفریده شد، بزنیم. اثری که گویا استاد شجریان، آن را برای تمرین به دو تن از شاگردانش در رادیو ضبط کرد و اصلاً هم قرار نبوده که از جایی پخش شود.

استاد شجریان تا همین دوسه سال پیش در این باره سکوت پیشه کرده بود، ولی دو سال پیش در گفتگویی با ایسنا، گوشه‌هایی از خاطرات خود را در باره رخداد‌های هنری نخستین سال انقلاب در رادیو تعریف کرد.

با این روایت، تابستان سال ۱۳۵۸ محمدرضا شجریان در یک استودیو، دعای «ربّنا» را بدون تکرار در ضبط می‌خواند تا مشقی برای هنرمندان نشود؛ اما این اثر بدون اجازه او به پخش می‌رسد. اثری که در ۳۸ سال اخیر، جای خود را در دل مردم باز کرد. اما ضبط این دعا روایت بلندی دارد.

«ربّنا»ی شجریان که در تیرماه سال ۵۸ ضبط شده، برای مدت ۳۰ سال، جزو برنامه‌های اصلی رادیو و تلویزیون ایران در ماه رمضان بوده است و بنا به گفته استاد، انگیزه اصلی وی از خواندن این دعا، تدریس آن به دو هنرجو بوده و این اثر در یکی از استودیوهای رادیو در دستگاه سه‌گاه خوانده و با مرکب‌خوانی سری به دستگاه‌ها و آوازهای دیگر ردیف موسیقی ایرانی از جمله آواز افشاری و گوشه عراق (صبا) می‌زند.

استاد شجریان در این باره گفته است: «سال ۵۸ تغییرات و تحولاتی در رادیو مخصوصاً در بخش موسیقی در حال شکل‌گیری بود. در آن سال‌ها مدیران رادیو تصمیم داشتند تولید موسیقی در رادیو را تعطیل کنند و تولید شده‌های بیرون را بخرند. جلساتی با مدیران رادیو گذاشتیم و در این جلسات خیلی تلاش کردیم مدیران را راضی کنیم که نیروهای خوب را نگه دارند و عده دیگر را بازنشسته کنند.

در این جریان‌ها بود که رئیس وقت واحد موسیقی رادیو، آقای



لوتیس‌هاین؛ خالق مستندی از کودکان کار

## وجدانی با یک دوربین

بهارک توسلی

در تمامی جوامع و به اشکال گوناگون، لزج و زشت و زنده، کودکان کار و مهاجران فقیر، هم چهره شهرها را نازیبا می‌کنند و هم روحمان را می‌خراشد. کودکان و زنان و پیرمردان و پیرزنانی که سر چهارراه‌ها یا در کارخانجات یا کوره‌پزخانه‌ها، به خاطر لقمه نانی می‌جنگند، یا کودکی و جوانی شان در میان چرخ دنده‌های رشد و پیشرفت یک کشور له می‌شود و از بین می‌رود. تحصیل بر آنها حرام است، زیرا می‌خواهند زنده بمانند. جوانانی که نیروی کار این مرزوبوم هستند و حتی در کشورهای خودشان باید نیروی شان صرف آبادانی شود؛ اما مجبورند کارهایی بیهوده در سرچهارراه‌ها و یا سخت و بی‌پایان به جای یک ماشین غول پیکرانجام دهند.

بقیه در صفحه ۳





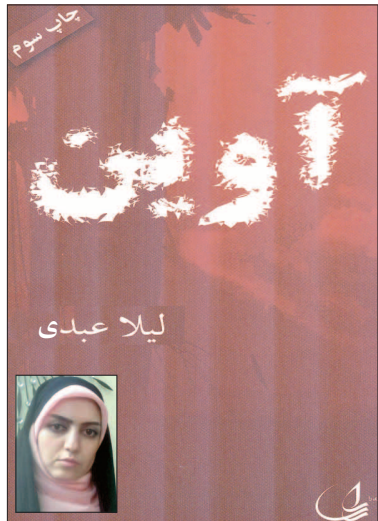
نگاهی به رمان «آوین»، نوشته لیلا عبدی

## خواب و رؤیا در بیداری

آرمان‌هایشان و هدفی که دارند تلاش می‌کنند.

رمان آوین این گونه آغاز می‌شود:

دهانش پر از خون شده بود و طعم آن حالت تهوع را در او تشدید می‌کرد. بدنش از زور درد به لرزه افتاد. قیافه ترسناک او با آن نفس‌های کوتاه و پر تنه‌باشن....



صداء، دردش را به ورطه فراموشی کشاند. چشمش به دست او بود که سیخ سرخ از حرارت شومینه را حمل می‌کرد. می‌دانست راه فراری ندارد. بغض کرده بود. بی اختیار اشکش روان شد. با التماس گفت خانوم تو را به خدا.... من که کاری نکردم.

تو رو جون بچه‌ها تون.... اما او بی توجه به حرف‌های دختر که به او نزدیک تر می‌شد. بوی گوشت سوخته و درد سوزناک غیر قابل تحمل بود. فریاد جگر خراشی کشید. سر جایش نشست.

صدای نفس‌های تند و وحشت زده‌اش مثل خنجر تیزی دل شب را می‌شکافت. دست‌های لرزانش را با تردید به طرف صورتش برد. نه، سالم بود. مثل این که ایمن درد هم از آن دنیای خواب بود.

نمی‌دانم اصلاً اسم حشمت هر جا هست، حرف از خیرش هم هست؟ می‌دانی که ده روز از حشمت خبری نبود، حالا یهو با کی پیداش شده؟ یک ساعت پیش با بابا آمد خانه مان. کله منو با این جعبه شیرینی کویاندن به طاق که از خانه بیایم بیرون تا داخل خانه تنها باشن....

در چشمان هر دو اضطراب موج می‌زد. نمی‌دانستند این بار برای کدام یک از بچه‌ها نقشه کشیده‌اند. امکان نداشت این دو بی‌دلیل به هم نزدیک شوند. از یازده دختر این خانواده، سه تایشان توسط حشمت برای خدمتکاری رفتند و پس از چند وقت پس‌در برای عقد آنها رفته بود و در قبال مقداری پول، اجازه عقد آنها را داده بود. هیچ از همسران آنها نگفته بود، که نگفته هم جوابش پیدا بود و دیگر هیچ کدامشان را ندیده بودند....

\*\*\*

چاپ سوم رمان «آوین» نوشته لیلا عبدی توسط «نشر ری را» به بازار کتاب آمده است. این رمان، روایت زندگی و نگاه به عشق از دریچه چشمان آدمیان است. آن گونه که برای درک تلخی اسارت در برخی سنت‌های غلط دیرین و پایبندی به تصمیمات خودمختارانه و اشتباه، خواننده رمان را با خود همراه می‌سازد. قصه دختری به نام آوین که بذر عشق در روحش نهفته شده، به نم اشکی جوانه می‌زند و سبز می‌شود تا به سپیداری بلند بالا در زندگی تبدیل شود.

خانم لیلا عبدی که متولد تهران است، از جوانی عاشق سرودن شعر بود و هنوز هم شعر را بخشی از وجود خود می‌داند. او نخستین داستان بلندش را در سال سوم راهنمایی نوشت. پس از ورود به دانشگاه بود که رمان «عشق خاموش» را منتشر کرد. سپس چهار سال برای مطالعه و تحقیق بیشتر، سکوت کرد تا این که رمان «بهشت همین جاست» را نوشت که این رمان در لندن توسط داریوش مهرجویی ترجمه و به انگلیسی هم منتشر شد. او با نوشتن رمان «آوین» توانست نشان دهد که از قدرت ذهن بالا برای خلق اثری ماندگار برخوردار است.

این رمان ۴۹ فصل دارد و در هر فصل با آدم‌هایی مواجه می‌شویم که لبریز از شور و شوق عشق به زندگی هستند و برای موفق بودن در

بقیه از صفحه اول

در این میان، شاید اوضاع اصحاب رسانه و روزنامه نگاران و خبرنگاران که رسالت سنگین آگاهی بخشی را به عهده دارند، خراب تر از دیگران باشد. همان‌ها که با فعالیت‌ها و جانفشانی‌های خود در ایام انتخابات، رسانه‌های رسمی و مجازی را پشتوانه محکم رأی‌های شما قرار دادند؛ اکنون به پشتیبانی و پشت‌گرمی شما نیازمندند.

این مطالبات سهم خواهی از قدرت نیست، بلکه حق طلبی کسانی است که همواره حق و حقوقشان در میانه دعوای سیاسی و جناحی ضایع شده و از ثبات و آرامش روانی لازم برای فعالیت‌های خود برخوردار نیستند و شما خوب می‌دانید که تحقق آرمان‌های دولت شما تا چه اندازه با فعالیت‌ها و کنش‌مندی‌های این صنف و قشر گره خورده است.

حالا نوبت گره گشایی شماست تا با اتخاذ سیاست‌های حمایتی خود به این همه همراهی خالصانه و صادقانه، پاسخی شایسته بدهید. شاید اولین و مهمترین گام ایجاد امنیت شغلی برای اهالی فرهنگ و هنر است و تمهید تدابیری که امید به آینده را در این قشر افزایش دهد.

شما خوب می‌دانید که امنیت شغلی این قشر، افزایش امنیت فرهنگی در کشور است و توسعه و پیشرفت کشور بدون حضور فعال و مؤثر اهل فرهنگ و هنر ممکن نیست. آنها هستند که می‌توانند سیاست‌های تدبیر و امید را از طریق زبان و بیان فرهنگی و هنری خود در سطوح مختلف جامعه نهادینه کرده و به بسط و تقویت فرهنگ توسعه کمک کنند.

امروزه با چرخش فرهنگی که در پارادایم و گفتمان‌های فکری جهان رخ داده، حتی در حوزه اقتصاد هم از اقتصاد فرهنگی سخن می‌گویند و این الگوهای اقتصادی فرهنگی است که چرخ معیشت را در دنیا می‌چرخاند. حالا نوبت چرخیدن چرخ زندگی اهل فرهنگ و هنر است تا آنها نیز دست کم در حاشیه امن امنیت شغلی بتوانند با آرامش بیشتری زندگی کنند.

بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر، هنوز بیمه نیستند و آینده شغلی متزلزلی دارند. اگر قرار بر دخالت دولت در فرهنگ باشد، بنا به گفته خود شما، مرز این دخالت معیشتی و صنفی است. دولت موظف است تا با ایجاد حاشیه امن برای اهالی

تفسیر دکتر دینانی از «کلشن راز»



کلشن راز

گفتگو از: کریم فیضی ۱۹۰

### وصال ممکن و واجب

\* ابیات بعدی، نشان می‌دهد که شیخ محمود شبستری هم مانند همه یا غالب عرفا، از سوءبرداشت‌ها در امان نبوده و پیوسته خود را ملزم به توضیح‌هایی می‌بیند که جنبهٔ ایضاح برای متهم کنندگان دارد:

مگو ممکن ز حد خویش بگذشت

نه او واجب شد و نه واجب او گشت

هر آن کودر معانی هست فایق

نگوید، کاین بود قلب حقایق

هزاران نشأت‌داری خواجه در پیش

برو، آمد شد خود را بیندیش

ز بحث جزو و کل و نشأت انسان

بگویم یک به یک پیدا، نه پنهان

عده‌ای می‌گویند که مطالب عرفانی مزخرف

است و نباید آنها را گفت، چرا که واجب‌الوجود،

ممکن‌الوجود نمی‌شود و ممکن‌الوجود هم واجب

نمی‌شود. این حرف درست است و فکر نمی‌کنم

کسی را بتوان پیدا کرد که بگوید ممکن واجب

می‌شود و برعکس. شبستری می‌گوید: حرف ما این

نیست که ممکن از حدش عبور می‌کند و واجب

می‌شود. ممکن هیچ‌وقت از جایگاه خودش تکان

نمی‌خورد و تا ابد واجب نمی‌شود. آنچه که روی

می‌دهد، از بین رفتن توهم است و با رفتن توهم ما

تازه می‌فهمیم که نبودیم و خیال می‌کردیم که هستیم

و ممکن هستیم. ما حتی ممکن هم نیستیم و این

حرف‌ها و هم نیست و ما حقیقت را قلب نمی‌کنیم

بلکه به حق می‌رسیم. کسی که در معانی فائق است،

نمی‌گوید که ما قلب حقیقت می‌کنیم.

شبستری انسان را مخاطب قرار می‌دهد و

می‌گوید: بعد از نشئه‌هایی که پشت سر نهاده‌ایم،

نشئه‌های دیگری در پیش داریم که باید به آنها فکر

کنیم و ببیندیشیم که از کجا آمده‌ایم، به کجا می‌رویم

و چگونه بروا‌هیم گشت. اگر بنا بر گفتن باشد،

آماده‌ام که کل و جزو نشئه‌های انسانی را یک به

یک بیان کنم، آن هم

به صورت کاملاً واضح و آشکار و نه

مخفیانه.

دامنه‌های وصال و وصل

\* سؤال بعدی دربارهٔ وصال ممکن و

واجب به همدیگر است که عده‌ای از آن با

عنوان اتصال حادث به قدیم سخن گفته‌اند و

همه‌ش دانسته‌اند؟

وصال ممکن و واجب به هم چیست؟

حدیث قرب و بُعد و بیش و کم چیست؟

در این بیت دو سؤال مطرح است، یکی همان

که شما اشاره کردید، یکی هم ماجرای دور و

نزدیک شدن به خداوند. هر دو سؤال مهم است و

می‌خواهد بیان کند که چه چیزی کم است و چه

چیزی زیاد است؟

\* شبستری پاسخ را بسیار بسیار جدی و

قاطع بیان می‌کند:

ز من بشنو حدیث بی‌کم و بیش

ز نزدیکی تو دور افتادی از خویش

می‌گویم: می‌خواهم حدیثی بی‌کم و بیش را

برایت بیان کنم و آن این است که: شما چنان به

حق نزدیک هستید که خودتان هم نمی‌دانید و

از شدت نزدیکی، احساس می‌کنید که از او دور

افتاده‌اید در حالی که چنین نیست و شما نزدیک

هستید. حالا من می‌خواهم در اینجا این سؤال را

طرح کنم که: دوری از خدا به چه معنی است؟

چگونه می‌توان از خدا دور شد؟ چه موجودی

می‌تواند از خدا دور بشود؟ آیا سعهٔ وجودی حق

متعال، برای غیر امکان دوری می‌گذارد؟ آیا جایی

هست که حق نباشد؟

ادامه دارد

سخنی با رئیس جمهور منتخب

### امید را به تدبیر فرهنگ گره بزنید!



فرهنگ و هنر، فضا و بستر لازم را برای خلاقیت و نوآوری آنها ایجاد کند.

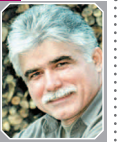
آقای روحانی! شما خوب می‌دانید که سود این حمایت، بیش از همه به جیب

حکومت و مردم خواهد رفت و هر گونه هزینه کردن در حوزه فرهنگ و هنر، یک

سرمایه‌گذاری بلند مدت و پایدار است. از مصائب اهل فرهنگ و هنر، گره گشایی

کنید تا امید را به تدبیر فرهنگ گره بزنید. امید بذر هویت ماست.

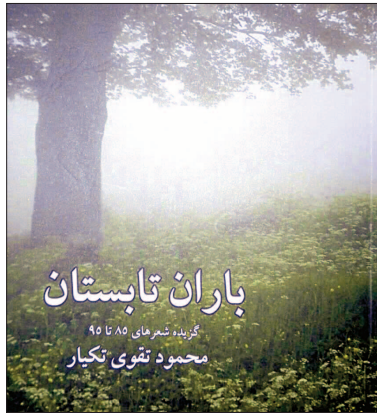




اکبر اکسیر

معرفی مجموعه شعر «یاران تابستان» گزیده شعرهای ۸۵ تا ۹۵ محمود تقوی تکیار / فرهنگ ایلیا/ ۱۳۹۶

## کارگری بر داربست شعر



مهدی پور لنگرودی نوازنده ویلن و شاعر پرکار جوان است که از فرط پیشرفت دایب‌اش را قبول ندارد و با شمس پرنده می‌پرد! چند نمونه از تقوی تکیار:

\* کارگری بودم بر داربست/ درختی در طوفان/ عابری در خیابان/ افتادم/ شکستم/ ناگهان!

\* حرف می‌زنند/ مرد با خودش/ زن با تلفن همراهش/ کودک با عروسکش/ در هیاهوی تنهایی/ آدمی چه می‌کرد/ اگر حرف نداشت!

\* بالندرو پدر/ از کومه کودکی/ تا لنگرود جوانی/ جمعه‌ها/ پای آبشار خیال/ سینما نیاگارا/ تهران/ خیابان جلفا/ گردهمایی پرندگان/ برام در و دیوار/ بال‌های خیال را/ چه کسی می‌چیند؟ محمود تقوی تکیار در شعر چشم به محیط زیست دارد. او آب و درخت و پرنده را می‌فهمد. شعرش جاری در طبیعت زبان و آرام چنان رودخانه‌های شهربور از دل بر زبان جاری شده است.

امید که در مجموعه‌های بعدی شعرهای کوتاه زیبایی از ایشان بخوانیم و شاعران جوانی چون مهدی پورهای با ذوق را به جامعه ادبی ایران معرفی نماید. باغ تکه تکه شد/ درختان خمیدند/ کنار رود خشکیده نشستیم و رهق هق گریستیم/ کنار چای بوته‌های ژولیده/ روزگار کمی بهتر، سازگارتر می‌شد شاید اگر می‌ماندی!

سرکار بود! از فردای تعویض و تغییر استاد، به سرعت برق و باد فراموش می‌شد. طوری که انگار چنین فردی وجود نداشت! بله دوستان، در زمانه بی‌مهری‌ها سپاسگزار کسانی باشیم که دستی از ما گرفتند تا به این جایگاه برسیم. یکی از شاعران با ذوق دهه هفتاد، محمود تقوی تکیار است که با کتاب اول خوب درخشید و رشدی کرد بایسته. تقوی تکیار این بار با گزیده اشعار ده ساله خود با عنوان «باران تابستان» لحظات شیرینی از شعر امروز را با ما قسمت کرده است. هر شعر در این تابستان یک قاچ هندوانه است که تقدیم مخاطب امروز می‌شود (لازم است که ذکر است که محموداقا، خان دایی یاور

دهه هفتاد، دهه شکوفایی زبان شعر امروز بود. مجله آدینه در صفحات شعر خود با مدیریت استاد کاظم سادات اشکوری و استاد علی‌بابا چاهی، شاعران زیادی را به جامعه ادبی ایران معرفی کرد که اگر این گروه پرشمار، هر یک در یک رسانه، نامی از اساتید معرف خود می‌بردند و وظیفه شاگردی به جا می‌آوردند، شهرت اساتید فوق‌الذکر تا زامبیا و بورکینا فاسو می‌رسید!

الحمدلله که شاگردان ما بعضاً نان کور و چشم سفید و فراموش کار هستند و حق استادی به جا نمی‌آرند و برعکس خود را استاد جا می‌زنند. شاگردان زیادی را می‌شناسم که عاق استاد شده‌اند و خیری از شعر و شاعری ندیده‌اند. عاق استادی مثل عاق والدین تأثیرگذار است.

من در زندگی شاعرانه خود چون استادی نداشتم، لذا مثل بره‌های گمشده آقای راعی، بعد از ده‌ها سال، راه خود را پیدا کردم. کاش استادی بالای سرم بود و به من یاد می‌داد که قدر اساتید خود را بدانیم و سلام مصلحتی و ارادت مذبح‌خانه را به ارادت قلبی و صداقت بدل کنیم.

در بررسی روزگار سیری شده شاعران جوان، این رسم عادی و همه‌گیر بود: مدح سردبیر و مسئول صفحه ادبی تا زمانی که



لوئیس‌هاین؛ خالق مستندی از کودکان کار

## وجدانی با یک دوربین

این عکاس آمریکایی معتقد بود که نمایش مشتقاتی که این کودکان بی گناه هرروزه ناچار به تحملشان هستند، شاید ذهن مردم را باز کند و آنان را وادارند تا تغییر شرایط موجود را در شمار مطالبات خود از دولت قرار دهند. پس چنین شد که به صورت فعال در کمیته ملی کودکان کار، حمایتش را پیش گرفت.



او اغلب در نقش یک فروشنده کتاب مقدس، نماینده بیمه یا عکاس صنعتی، کارگاه‌ها و کارخانه‌های مختلف از ماساچوست تا کارولینای جنوبی سفر می‌کرد تا شاید بتواند تصویرگر درد و رنج قریب به دو میلیون کودک کار یا مهاجران فقیر باشد. اغلب می‌شد او را در حال حمل دوربین و تجهیزات بزرگ دید که به این سو و آنسو می‌رود.

لوئیس اطلاعات و مشاهداتش را در کتابچه‌های مخفی به ثبت می‌رساند. معادن ذغال سنگ، کنسروسازی، کارخانه‌های بسته بندی گوشت، و کارخانه‌های ریسندگی، از عمده جاهایی بودند که می‌شد «لوئیس‌هاین» این عکاس پرافتخار و نکته بین را در آنجا یافت.

او از زمانی که استفاده از یک «ویوکمرا» و ابزار «فلش پودری» را آموخته بود، تا انتهای دوران رسالت اطلاع رسانی اش، از دهها هزار نفر عکاسی کرد که به دنبال سرزمین موعود در آن زمان وارد آمریکا می‌شدند. مهاجرانی که غالباً با کارهای طاقت فرسا در کارخانجات به بیگاری مشغول بودند و در زبانه زندگی می‌کردند. اغلب اوبه شکل ناشناس وارد کارخانه می‌شد و دوربین روی دست «گرافلکس» پنهان شده در یک ظرف ناهارخوری عکاسی می‌کرد. در اصل او یک روزنامه نگار افشاگر بود.

در نوامبر سال ۱۹۰۸ گذر این قدیس در لباس عکاس به کارخانه ریسندگی «سادی فایفر» (Sadie Pfeiffer) افتاد. جایی که یک تصویر تحسین شده در آنجا ثبت شد، و دنیایی که «لوئیس‌هاین» قصد نمایشش را داشت، به زیبایی تصویر شد. دخترکی در مقابل دستگاه پنبه ریزی عظیم الجثه ای در «لنکستر» ایستاده و مشغول کار روزانه‌اش بود.

از آنجایی که «هاین» اغلب مجبور بود در مورد علت عکاسی خود دروغ بگوید، لذا تمامی سعی خود را به کار برد تا این تصویر صد درصد خالص و بدون هیچ شک و تردیدی تهیه شود. بدون هیچ دستکاری و نمایش اغراق شده جزئیات. این تصویر از یک کودکِ خردسال هشت ساله در میان دنیای صنعتی، مکانیزه و سرد و بی روح، حقیقتاً انقلابی بر پا کرد که تا پیش از این در جامعه مشاهده نشده بود. این شاهکار «لوئیس‌هاین» همراه با دهها هزار عکس دیگر از او، سرانجام باعث شد تا قوانین مرکزی فدرال به سرعت مورد بازنگری قرار گیرد و در نهایت در فاصله ای ده ساله (از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰) این قانون علیه کار سخت کودکان به تصویب رسیده و تعداد کودکان کار، دست‌کم به نصف کاهش یابد. سرانجام نگاه «لوئیس‌هاین» توانست دنیای بی‌رحم بیرون را دگرگون کند.

بقیه از صفحه اول مدت‌ها بود عکس‌های گرفته شده توسط «لوئیس‌هاین» «توجه راجلب کرده بود و تطابق بسیاری بین آنها و جامعه کنونی مان می‌دیدم. سالهای گذشته در هندوستان هم شاهد چنین بلبشویی بودم و بیزار... دیدن گدایانی که همواره زیر دست و پا می‌لولیدند، قلبم را آزرده می‌کرد.

اما این روزها ایران را هندوستانی دیگر می‌بینم، با گدایانی بی شمار در لباس گل فروش، فال فروش، یا گل مال. فقر با ثقل همراه شده؛ آب جوی را در شیشه شوی می‌ریزند و با اصرار به شیشه ماشین می‌پاشند و آخرش هم که نه تنها شیشه تمیز نمی‌شود، یک شستشوی ماشین هم به گردنت می‌افتد. پس خشم می‌گیری و می‌گذری. بدون اینکه ریشه ی این درد را بدانی.

این درد است که کودک من این سمت شیشه در اتومبیل روبروی باد کولر نشست، و کودک او پابرهنه و گرسنه روبروی آماج هزاران گلوله خلاف در خیابان‌ها پرسه می‌زند و طلب نانی را گدایی می‌کند. فقط باید گفت وا اسفا... چرا که این تراژدی، قلبم را درد می‌آورد.

البته ناگفته نماند که تراژدی تازه ای نیست. همسان آن را در عکس‌های سالیان «لوئیس‌هاین» نیز دیده ام. این عکاس آمریکایی، زاده ۲۶ سپتامبر ۱۸۷۴ است که تا زمان حیات ۶۶ ساله اش خود را وقف جاودانگی اسیران زندگی کرد.



«لوئیس‌هاین» که زمانی خود یک کارگر ساده بود، از طریق اصلاح طلبان عکاسی تا دانشگاه و کسب مدرک جامعه شناسی پیش رفت. او از روش انتخابی حکومت آمریکا که رفاه شرکت‌ها را به رفاه مردم عادی ارجح می‌دانست، بیزار بود. از اینرو در سال ۱۹۰۸ معلمی خود را رها کرد و در پوشش عکاس مستند، تمام وقت شروع به کار کرد و سپس به استخدام کمیته ملی کارگران خردسال (NCLC) و صلیب سرخ درآمد.

## در محضر مشفق

❖ پرویز بیگی حبیب آبادی

بخش ۱۱۲



\* در طول سال‌های دفاع مقدس، شورای شعر وزارت ارشاد، برنامه‌های شعرخوانی متعددی در شهرستان‌ها داشته است. اگر سخن یا خاطره‌ای از آن سفرها دارید بفرمایید. - بله، در طول هشت سال دفاع مقدس، سفرهای متعددی به شهرستان داشتیم که متأسفانه تاریخ دقیق آنها را به خاطر ندارم، اما به ذکر مواردی می‌پردازم که بنا به دلایلی آنها را به یاد دارم. در ایام دفاع مقدس بنا به دعوت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان در کنفرانس بزرگی که برای تجلیل از استادان خط و شاعران ترتیب داده شده بود، من و استادان مهرداد اوستا، محمود شاهرخی، صفا لاهوتی و حمید سبزواری دعوت شدیم.

این برنامه در هتل شاه عباس اجرا شد. در ساعات استراحت اگر از بوفه درخواست کوچکی فی‌المثل چای می‌کردیم، می‌گفتند پول هر قوری چای را باید بپردازید. روزی وزیر وقت در هتل تشریف داشتند و مدیرکل ارشاد هم حاضر بود. جماعت شاعر را که خودتان بهتر می‌شناسید، حرفشان را به هر شکل که باشد، می‌زنند؛ یعنی دچار خودسانسوری نمی‌شوند.

موضوع چای را به اضافه نابسامانی‌های دیگر به وزیر گفتیم که وزیر بسیار ناراحت شد و موضوع را برای پیگیری با مدیرکل ارشاد اصفهان در میان گذاشت. در همان روز من و دوستان در دانشگاه صنعتی اصفهان نیز مهمان دکتر شاهرخی فرزند استاد شاهرخی بودیم که سمت استادی داشت.

وقتی به هتل برگشتیم، دیدیم ساک‌های لوازم ما را از اتاق بیرون آورده‌اند و در اتاق‌ها قفل است. متصدی اتاق‌ها گفت بنا به دستور مدیرکل ارشاد اصفهان از امروز شما حق اقامت در هتل را ندارید. هر چه خواستیم با آقای مدیرکل تماس بگیریم، ممکن نشد. با اینکه دو روز دیگر مانده بود تا کنفرانس تمام شود. متوجه شدیم، به اصطلاح آقای مدیرکل به چغولی که ما کرده بودیم، یعنی شکایت و گله، عکس‌العمل نشان داده و ما را جواب کرده‌اند و انتقام بی‌ادبی ما را در حق خود گرفته‌اند.

آن شب به خاطر این مهمان‌نوازی، در خیابان‌های اصفهان جایی برای استراحت پیدا نکردیم و در بیرون دروازه تهران، با اتوبوس قراضه‌ای که عازم تهران بود، خود را به تهران رساندیم. مقصود من از این گفتن این خاطره آن بود که همیشه همه چیز بر وفق مراد نبود و از این گونه ناهماهنگی‌ها وجود داشت و بی حرمتی‌هایی به جماعت شاعر نیز گاهی می‌شد. البته در تهران نیز موضوع را پیگیری نکردیم و چندی بعد مطلع شدیم که آن مدیر کل از کار برکنار شده است، اما علت برکناری را نفهمیدیم.

\* استاد، همانطور که مستحضرد، اشعار دوران دفاع مقدس بیشتر حماسی بود. آیا این روال پس از جنگ تغییر کرده است؟

- نخیر، مضمون اکثر آثاری که هنوز درباره دفاع مقدس سروده می‌شود، حماسی است؛ به عبارت دیگر، آثار موفق هم آثاری هستند که لحن‌شان حماسی است.

\* حتماً در سفرهایی که داشته‌اید به زادگاه خود نیز دعوت شده و رفته‌اید.

- بله، در سفری با استاد معلم، محمدعلی مردانی و حسین لاهوتی به کاشان، روزی مهماندار، همگی را برای بازدید از دهکده «نیاسر» همراهی می‌کرد. «نیاسر» تا کاشان حدود، سی کیلومتر فاصله دارد. دور این سرزمین تپه‌ای وجود دارد به نام تالار که در بالای آن آتشکده‌ای از زمان ساسانیان با چشمه‌ای به نام چشمه اسکندری وجود دارد.

در کنار آتشکده، یکی از عجیب‌ترین نماهای ایران که ساخته و پرداخته دست انسان است، خودنمایی می‌کند.

مردم کاشان و نیاسر به این غار می‌گویند: «سوراخ رئیس» که نمی‌دانم وجه تسمیه آن چیست. اینکه می‌گویم این غار ساخته دست انسان است و امروز از سنگ و خاک انباشته شده است، گزافه نیست؛ زیرا خود من در سال‌های جوانی به درون آن رفته‌ام. ادامه دارد





نقد آثار منظوم و منثور

عباس یمینی شریف

## یار مهربان

هومن ظریف

شعر بلافاصله بعد از «من دخترم» به صورت معناداری در کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان» شعر «من پسر» است:

من که از گل بهترم      من پسر من پسر  
یار کار پدرم      در کمک با مادرم  
مهربان با خواهرم      بچه ای با هنرم  
اما بازم این شعر، آن چیزی نیست که در سال ۱۳۲۵ برای نخستین بار در کتاب آواز فرشتگان به چاپ رسیده است:

من که از گل بهترم      پسر من پسر  
حرف‌های مادرم      نرود از نظرم  
در دبستان همه را      مثل خود می‌شمرم  
از خوش اخلاقی من      هست راضی پدرم  
این شعر در بین این ۴۹ سال در چاپ سال ۱۳۵۴، توسط شاعر چنین چاپ شده است:

من که از گل بهترم      پسر من پسر  
مادرم را دوست دارم      دوست دارم پدرم  
مهربانم من با      خواهر و برادرم  
همه با من خوبند      خیلی همبازی دارم  
همه چیز می‌نویسم      تا هزار می‌شمرم  
من کتاب می‌خوانم      می‌بیند با هنرم

مصراع آخر در چاپ‌های بعدی به خاطر فقدان تصویر خردسال، حذف شده است و چه بسا بهانه برخی از تغییرات این اشعار نیز ارتباط اشعاری است که در این مجموعه‌ها به خاطر نیاز روانی و عاطفی خردسالان مرتبط با تصویر سروده شده اند.

از این شعر، تنها سه بیت بخت گزینش توسط شاعر در کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان» را داشته اند:

من که از گل بهترم      من پسر من پسر  
یار کار پدرم      در کمک مادرم  
مهربان با خواهرم      بچه ای با هنرم  
در این سه بیت، از گل بهتر بودن، تشبیه تفضیل است و غیر از این آرایه، هیچ صنعت ادبی دیگری به کار نرفته است. و سرانجام این شعر در کتاب درسی، این گونه توسط هیأت مؤلفان که یکی از آنها عباس یمینی شریف بود، روایت شده است:

من که از گل بهترم      پسر من پسر  
درس و مشق همه خوب      پسری با هنرم  
حرف‌های مادرم      نرود از نظرم  
از خوش اخلاقی من      هست راضی پدرم  
اما این همه «سابقه تغییرات» به اینجا ختم نمی‌شود.

بنا بر سندی که در کتابخانه ملی است، بر اساس دستنوشته‌هایی که شاعر بعد از بیست سال در سال ۱۳۵۴ بر چاپ چهارم کتاب «آواز فرشتگان» یا اشعار کودکان، چاپ انتشارات امیرکبیر، به عنوان یکی از کتاب‌های طلایی مقدمه کتاب آواز فرشتگان به منظور اعمال تغییرات برای چاپ جدید آن نوشته است؛ راوی در شعر «گاوه میگه» در کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان»، شاعر است که با همان جمله نخست شعر یعنی «گاوی میگه»، به صورت سنتی به کودکان هشدار می‌دهد و در ادامه شعر از زبان گاوی، با کمک آرایه تشخیص ادامه پیدا می‌کند.

اما شاعر در کاربرد زبان محاوره، به خاطر تغییرات زبان محاوره در سایه تغییرات زبان معیار و ادبی، دچار سردرگمی است.

به عنوان مثال، در مصراع نخست بیت دوم: «خوب، می‌دانید که من کی ام؟» آنچه مطابق خوانش محاوره ای است و کاربرد هم دارد، این گونه است: «خب! میدونین من کی ام؟». اما شاعر واژه «خوب» را به معنای صفت در این شعر به کار نبرده است، بلکه آن را به معنای رایج در محاوره، یعنی «حالا» و «راستی» به کار برده است.

اما نگارش آن، باعث تراحم ذهنی و خوانش کودک و چه بسا بزرگسال می‌شود.

ادامه دارد

## خاطرات استاد شجریان از چگونگی ضبط و پخش دعای ربنا

## ربنا به مردم تعلق دارد...

برای پخش ندادم. از همان زمان هم تصمیم گرفته بودم که دیگر در رادیو کار نکنم. به آقای وجیه‌اللهی اعلام کردم که دیگر به رادیو نمی‌آیم، اما روز اول ماه رمضان دیدم ربنایی را که خودم خوانده‌ام، از رادیو پخش شد.

زنگ زدم به آقای وجیه‌اللهی. دیدم ایشان خیلی خوشحال هستند و می‌خندند. گفت که این تیر از کمان رها شده و من این را کپی کردم و به همه رادیوها و شهرستان‌ها دادم و همه این کار را پخش کردند. اعتراض کردم، اما او خندید و گفت که ما برنامه به این خوبی را از دست نمی‌دهیم و این کار را باید همه مردم بشنوند.

آن موقع به هیچکس هم گفته نشد که این اثر



را چه کسی خوانده است. به آنها گفتم که هیچ حق ندارید که بگویید این اثر را من خوانده‌ام. آن زمان مردم فکر می‌کردند که این اثر را یکی از قاریان حرفه‌ای خوانده و من طوری این اثر را خوانده بودم که صدای من مشخص نبود؛ اما هر بار که این اثرها پخش می‌شد، من عصبی می‌شدم. چرا که من این

تقلید نباشد، از اصل اثر هم خیلی دور نباشد. مجدداً به مسئولان گفتم که سال‌هاست مخاطب، من را به عنوان خواننده آواز می‌شناسد؛ اگر بخوام ربنای بخوانم و اذان بگویم، ممکن است مخاطب من را نپذیرد و این کار زیبا نیست. چون مردم فکر می‌کنند حالا که جمهوری اسلامی سر کار آمده، شجریان که تا دیروز آواز می‌خواند، امروز دعا می‌خواند و اذان می‌گوید و ممکن است نپذیرند و از سوی دیگر، افراد دیگری که به صدای من عادت کردند هم ممکن است بپرسند که چرا شجریان آواز را رها کرده و دعا می‌خواند؟!

برای من این کار بسیار سخت بود. به همین دلیل به آنها گفتم که من به شما کمک می‌کنم و به دیگران آموزش می‌دهم تا آنها بتوانند ربنای دعا بخوانند؛ اما خودم این کار را نمی‌کنم. قبول کردند. رفتم استودیو و «ربنا» و «مثنوی افشاری» را بدون هیچ تکرار و تصحیحی خواندم. اثر ضبط شده را به ۴ نفر از هنرمندان مورد نظر دادم و از آنها خواستم که تمرین کنند تا برای ضبط آماده بشوند.

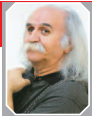
آقای قاسم رفعتی «مثنوی افشاری» را زیبا خواندند، اما با اینکه روایتشاد صالحی قرآن‌خوان حرفه‌ای بودند و صدای خوبی هم داشتند؛ هر چه تلاش کردند، نتوانستند آن طوری که مد نظر من بود، ربنای را بخوانند. بالاخره با کمک و راهنمایی‌های من بعد از ۲۰ روز تمرین، برای ضبط آماده شدیم و به استودیو رفتیم.

در استودیو هم سه نفری که بنا بود ربنای را بخوانند، بارها خواندند و نشد تا اینکه من بخشی از ربنای را می‌خواندم و آنها این بخش را تکرار می‌کردند تا توانستیم این ربنای را ضبط کنیم.

شروع به ویرایش و تصحیح این آثار کردم. از ۴ بعدازظهر تا ۳ صبح کارها را تک و تنها در رادیو تصحیح می‌کردم تا اثر مناسبی برای پخش در ماه رمضان آماده شود.

### پخش غیر قانونی ربنا

کارها را دو روز مانده به ماه رمضان آماده کردم و به رئیس رادیو ارائه کردم، اما از همان موقع و حتی قبل‌تر آن، فریدون شهبازیان که کار من را شنیده بودند، اصرار می‌کردند که با صدای خودم پخش شود و من هم مصرانه می‌گفتم که صدای من نباید این گونه پخش بشود. هیچ اجازه‌ای به آنها



حسن فرازمند

که ربنای را می‌شنود. از این کار یک کپی می‌خواهد تا ببیند می‌تواند این را بخواند یا نه؟ بعد از دو سال دوستم او را مجدداً می‌بیند و این قاری به او می‌گوید: «کار من نیست. چرا که خواندن اوجی که در خواندن ربنای هست، کار هر خواننده‌ای نیست.»

### باز خوانی ربنا

محمدرضا شجریان در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید: «من هرگز این اثر را بازخوانی نمی‌کنم. چرا که مردم با آن کار ارتباط گرفته‌اند و نت به نت، زمان‌بندی آن را می‌شناسند.»

استاد شجریان درباره پخش ربنای بدون ذکر نامش از تلویزیون می‌افزاید: «۵ یا ۶ سال که از پخش ربنای گذشت، به این حس رسیدم که ای کاش آن زمان، ضبط بعضی از قسمت‌ها را تکرار می‌کردم تا کیفیت کار بهتر می‌شد. به این فکر رسیدم، حالا که مردم با ربنای ارتباط برقرار کرده‌اند، مجدداً ربنای ضبط کنم و اشکالات ریز آن را برطرف کنم؛ اما فکر کردم که در این ۵ سال مردم به این ربنای عادت کرده‌اند و نت به نت آن را حفظ هستند.

اگر بخوام آن را مجدداً بخوانم، هر چند بهتر و پخته‌تر خواهم خواند، اما مردم آن ربنای را پذیرفته و دوستش دارند و من هر کاری بکنم، نمی‌توانم ربنای جدید را جایگزین ربنای قدیم بکنم. بنابراین فکر کردم بهتر است من به عادت مردم احترام بگذارم و به دنبال این نروم که ربنای را دوباره بخوانم. من که از اول دوست نداشتم صدای من این طوری پخش بشود.

اما زمانی که دیدم مردم با آن ارتباط گرفته‌اند و حال و هوایی با ربنای دارند، فکر کردم بهتر است ربنای به همان شکل اول خود باقی بماند. اما سؤال من این است که کسانی که در رادیو و تلویزیون تصمیم‌گیرنده هستند و اغلب هم تصمیمات بسیار ناآگاهانه و ناشیانه می‌گیرند؛ چرا به این نکته توجه ندارند که نمی‌توانند عادت مردم را از آنها بگیرند؟ من به احترام سلیقه مردم، به خودم اجازه ندادم که بیایم ربنای بهتری بعد از ۶ سال بخوانم، اما این افراد چطور می‌توانند ربنای دیگری به جای



آن بگذارند. بهتر است آنها کار دیگری تولید کنند تا بتوانند جایگزین ربنای فعلی بشود. می‌دانم که در رادیو و تلویزیون بسیار هزینه کردند تا ربنای شجریان را کس دیگری بخواند، اما باید بگویم که ربنایی که من خواندم و مردم آن را قبول کرده‌اند، به این راحتی جایگزین نمی‌شود. مگر یک نفر دیگر بیاید چیزی دیگری بخواند.

مردم ۳۰ سال است با این ربنای پای سفره افطار می‌نشینند و با آن خاطره دارند. من هرگز به خودم اجازه ندادم که این ربنای را از مردم بگیرم و آن را از آنها دریغ کنم. سال ۷۴ به نامه‌ای به آقای لاریجانی، رئیس وقت تلویزیون نوشتم که چطور می‌توانم این کار را خوانده‌ام؟ اما زمانی که دیدم مردم متوجه می‌شوند که من این کار را به این دلیل نخواندم که با شرایط روز خودم را هماهنگ کنم، اعلام کردم که این اثر را من خوانده‌ام.

مردم هرگز از من ایراد نگرفتند که چرا این اثر را خواندی؟ همه می‌گفتند که چه کار زیبا و دلنشینی است. یکی از دوستان تعریف می‌کرد که یکی از قاری‌های بزرگ مصر به اسم غلوش در ایران بوده

کارها را برای پخش نخوانده بودم و به عنوان درس و آموزش ضبط کرده بودم تا بقیه تمرین کنند. بعد از این هم دیگر رادیو-تلویزیون نفرتم و بعدها کلاس‌های آموزشی‌ام را در رادیو و تلویزیون تعطیل کردم و تا سال ۶۱ که هیچ جا ظاهر نمی‌شدم، فقط در خانه بودم و به پرورش گل و گیاه می‌پرداختم.

زمانی که دیدم مردم این کار را خیلی دوست دارند و هی می‌پرسند که این اثر را چه کسی خوانده است؟ وقتی به اطرافیان و به شکل خصوصی می‌گفتم که این اثر را من خوانده‌ام و بدون اجازه من پخش شده؛ همه تعجب می‌کردند که چطور من این کار را خوانده‌ام؟ اما زمانی که دیدم مردم متوجه می‌شوند که من این کار را به این دلیل نخواندم که با شرایط روز خودم را هماهنگ کنم، اعلام کردم که این اثر را من خوانده‌ام.

مردم هرگز از من ایراد نگرفتند که چرا این اثر را خواندی؟ همه می‌گفتند که چه کار زیبا و دلنشینی است.

یکی از دوستان تعریف می‌کرد که یکی از قاری‌های بزرگ مصر به اسم غلوش در ایران بوده





خطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی  
در عرصه آواز و موسیقی

## یک عمر خاطره

۵۳

مسواک و خمیر دندان

تا اوائل حکومت پهلوی اول، مردم از چیزی به نام مسواک و خمیردندان، اطلاعی نداشتند و برای شست و شوی دهان و دندان، مطابق یک سنت دیرینه قدری خاکه ذغال و نمک را با هم مخلوط می کردند و مقداری از آن را در دهان ریخته و با انگشت سبّابه - به جای مسواک - روی دندان ها می مالیدند و در پایان مثنی آب در دهان ریخته و پس از قفره، محتوی ذغال و نمک را که در بُن دندان و لثه ها جای گرفته بود، بر می گردانند و بدین طریق بود که دندان ها تمیز می شد!

تا اینکه بعد از چند سال، نخستین بار گرد سفیدی به نام گرد دندان دکتر فلان در داروخانه ها آوردند و بعد هم خمیردندان و مسواک، ... و در آن حال بود که ما به جرگه ملل متمدن جهان وارد شدیم!

جنگل های محلی، آمادگی های رمزی

چو فردا برآید بلند آفتاب

من و گرز میدان افراسیاب  
خانه ما در کاشان در یکی از محلات آن شهر به نام «میدان کهنه» و نزدیک میدان پنجه شاه بود و ما بچه های ۸ تا ۱۲ سال محل، بنابر رسومی که از دیرباز به جا مانده بود، هفته ای یک روز - روزهای جمعه - مانور جنگی و به اصطلاح امروز «ارزمایش» داشتیم که برای بچه ها هم تفریح و سرگرمی بود و هم فنون جنگی با حریف را می آموختیم.

طرز عمل نیز بدین قرار بود که طبق اعلام قبلی، گروهی از بچه ها یعنی جغله های جنگاور محل، البته بدون اطلاع پدر و مادر، در صبح جمعه در کوچه گرد هم آمده و پس از آنکه تعداد داوطلبان به حد کافی می رسید، آن وقت تجهیزات و ساز و برگ نظامی و سلاح های تهاجمی و دفاعی که عبارت بود از تَرکه - شاخه های باریک از درخت کنده شده - و زنجیر و مقداری خاک (جهت ریختن در چشم دشمن) از طرف فرمانده گروه، بین آنان تقسیم می شد.

خوب به یاد دارم کسه فرمانده گروه، یکی از بچه های محل به نام غلامرضا کچل بود که البته چهار پنج سالی از دیگران بزرگتر و مانند اکثر کچلان دارای اندامی ورزیده بود. او به عنوان پیش قراول در پیشاپیش بچه ها حرکت می کرد (برعکس برخی فرماندهان نظامی امروز که در پشت جبهه قرار می گیرند!)

در جمع جنگاوران ما یک استراتژیست و برنامه ریز هم وجود داشت به نام آقا رضا معظم که بعدا وکیل دادگستری شد. ایشان قبل از رفتن ما به میدان جنگ، بین ما آمده و به منظور دمیدن روح شهادت و دلیری و بی باکی با صدایی رسا چند بیت از شاهنامه فردوسی خوانده و پس از آن یک سخنرانی بلیغ و پرهیجان ایراد و در پایان می فرمودند: «خب، حالا دیگر بروید و نترسید و دلیرانه بجنگید».

من همین جامی مانم و منتظرم تا شما پیروزمندانه از میدان جنگ برگردید!»

محل میدان جنگ و روبرو شدن با دشمن فرضی، از پیشش با توافق بچه های دو محله تعیین می شد. میادین معروف کاشان به نامهای میدان ماماشرف، ولی سلطان، چهل دختران و ... محل برگزاری این مانورها بود. قبلاً به بچه های آن محله ها اطلاع داده شده بود که ما فلان روز و ساعت در فلان میدان می آییم، آماده باشید. آنها هم با تجهیزات جنگی، ترکه و خاک و قلوه سنگ مجهز و منتظر رسیدن ما بودند.

گروهی از آنان در گوشه ای از میدان و تعدادی دیگر در پشت بامها کمین کرده بودند. جنگ مغلوبه می شد و دو لشکر به هم در می آمیختند.

ادامه دارد



«یک روز به خصوص»  
همه روزها به خصوص نیستند  
«یک روز به خصوص» دقیقاً همان روزی است که معنای زندگی را در بودن خود می یابد و پیش از آنچه فاجعه ای در مسیر زندگی رخ دهد رخدادهای را در پی هم به تصویر می کشد تا معنای زندگی حقیقت خود را دریابد.



منوچهر دین پرست

در زندگی هر انسانی روزهایی خودنمایی می کنند که نمی توان آنها را از صفحه تاریخ او حذف کرد. غیر از تاریخ های کلیشه ای و تکراری، اتفاقاتی هم رخ می دهد که تاریخ او را، یا دگرگون می کند و یا دوباره از اول روایت می شود. در چرخه گستره زندگی روزهای به خصوصی قرار دارند که بر اساس همین توالی و پیچیدگی معرفت زندگی را رقم می زند. "بودن" یا "نبودن" انسانی در جهان نمی تواند به سادگی هر کسی را به کناری سوق دهد و او ایستاده بر تمام ماجرای ملتهب بنگرد. شاید بر اساس همین نگاه است که مسئله انسانی امروز تنها مسئله شناخت نیست، مسئله سرنوشت است. بر این اساس ما مسئله بودن (زندگی) یا نبودن (مرگ) شده ایم و ستیزه جویی با مفاهیم انسانی ما را در گرداب تهی غرق می کند. روایت فیلم "یک روز به خصوص" روایت خروج از گرداب نبودن است. تلاش پسر جوانی برای رهایی خواهرش از مرگ ما را در فضاهایی قرار می دهد که میان مثلث قضاوت اخلاقی، سرنوشت محتوم و فضای مسموم جامعه قرار گرفته است. فارغ از اینکه ما در فیلم با ملودرامی اخلاقی و وجدانی رو به رو هستیم اما به نظر می رسد پیکره داستان در فضای التهابی قرار گرفته تا کلیت مسموم و آلوده بخشی از جامعه آشوب زده و نابسامانی که اسیر آرمانهای تهی و بی ثمر شده را نشان دهد. قصه فیلم را می توان در یک خط تعریف کرد: "پسری تمام تلاش خود را برای پیوند قلب بیمار خواهرش از هیچ کوششی فرو گذار نمی کند". تصاویر پر از احساس و اخلاق ما را در چالشی قرار می دهد که حق با پسر است و او باید برای رهایی خواهرش از مرگ از هیچ کوششی دریغ نکند. اما کانون اصلی فیلم این نکته را روایت نمی کند او می خواهد ما را از نقطه مرکزی اخلاقی فیلم به حاشیه های سوق دهد. او می خواهد نشان دهنده وضعیت بحرانی باشد که اخلاق را فروپاشیده و نظام "بودن" یا "نبودن" را به هر قیمتی به تصویر بکشد.

موفقیت یا عدم موفقیت فیلم در نمایش لحظه های ناب بودن در جهان را باید در کشاکش اخلاق و روابط ناعادلانه اجتماعی دید. خط گسل این کشاکش را کارگردان در تهیه پولی برای درمان بیماری نشان می دهد که این وضعیت اسیدی است که جامعه را به سوی "همه چیز پول است" سوق می دهد. این حقیقتی تلخ اما در حلق جامعه فرو رفته است.

موضوع پیوند اعضا چند سالی است که کشور ما را درگیر خود ساخته است. از لحاظ علم پزشکی توجه به پیوند اعضا ویژگی های خاص خود را دارد و هر کشوری چنین امکانی را ندارد. اما دستگاه پزشکی ایران ما با دست یابی به چنین دانشی فضایی ویژه برای درمان بیماران فراهم کرده است. از این

رو هنرمندان کشور هم سعی کردند در این امر مهم انسانی به خلق آثار ویژه ای اهتمام داشته باشند. سالها پیش کیانوش عیاری با ساخت فیلم "بودن" یا نبودن "درباره اهدای عضو فیلم ویژه ای ساخت که مورد توجه قرار گرفت اگرچه سربالهای تلویزیونی نیز با همین موضوع تولید شد. اما این بار فیلم "یک روز به خصوص" در بحث پیوند قلب با نگاه جامعه شناختی موضوع قابل توجه و تأملی را ارائه کرده است. فیلم، روایت یک روز به خصوصی که قرار است قلبی به دختری جوان که خواهر یک روزنامه نگار است پیوند داده شود. فیلم اگرچه مملو از حوادث و رویدادهای مختلف است که آقای روزنامه نگار باید پولی را

برای پیوند قلب فراهم کند اما درگیر تنشهای متعددی می شود. این فیلم روایتی از چالش و بحران بیمارها و خانواده ها و دستگاه پزشکی کشور و تمامی حواشی آن است. نکته اصلی فیلم را باید در نوع نگاه کارگردان به این موضوع دانست. چرا که او به نکته ای مهم توجه کرده و آن فعالیت های غیر قانونی و غیر اخلاقی دلالاتی است که در بحث پیوند اعضا فعالیت می کنند و این فضای انسانی را آماده کرده اند. یک عمل انسانی و اینازگرانه است اما متأسفانه کسانی در این حوزه وارد شدند که خانواده ها و دستگاه پزشکی را درگیر ماجرای اسف باری کرده اند. از سوی دیگر فیلم "یک روز به خصوص" را باید فیلم آگاهی بخش و جامعه شناختی توصیف کرد که توانسته با قرار دادن سکانسهای مختلف نظم داستانی را چنان پیش ببرد که مخاطب درگیر تصمیم گیری های ویژه ای شود. فیلم حاضر اگر چه روایتی اجتماعی دارد اما باید توجه داشت که کارگردان باید زوایای مختلف اهدای عضو را نه تنها در کانون فیلم قرار دهد بلکه فضای احساسی و عاطفی آن را به سمت و سویی سوق دهد که زوایای تاریک نابسامانی های چنین فعالیتی روشن شود و جامعه با نکات خاص رو به رو شود. به نظر نگارنده، کارگردان فیلمی واقعی و غیر سرگرم کننده ساخته است که آن را باید در بستری اجتماعی دید چرا که این فیلم می تواند فضایی را برای شناخت بهتر اهدای عضو و گسترش این کنش اخلاقی و انسانی را فراهم سازد. زاویه فیلم "یک روز به خصوص" تمرکزی جدی بر مفهوم معنای زندگی دارد. زندگی با تولد یا کمی پیش از آن آغاز می شود، اما معناداری خود را از مرگ می ستاند. مرگ، در مقابل همه آنچه از ما می گیرد، بهای آن را نیز می پردازد؛ بهایی که می توانیم با آن بسی بیش از آنچه داده ایم، باز پس بگیریم. روشن ترین وجه این بازپس گیری را می توان در تلاش برای زنده ماندن و دوری از مرگ جست و جو کرد. اما انسان به واسطه آگاهی می تواند بر هر موقعیتی فایق آید، زیرا از آن موقعیت آگاهی دارد. انسان هست و در عین حال از هستی خود آگاه است.

این آگاهی جهان بینی انسان را تحت تأثیر خود قرار می دهد و نمی توان به دور از فضای پرکشش و وسیع جهان بینی تصمیمی ناب گرفت. انسان در لحظات آگاهی از هستی به روایتی تکین روی می آورد تا بتواند در کشاکش زندگی بودن خود را روایت کند. بر این اساس است که معنای زندگی برای هر کسی در حضور او در جامعه اش روایتی ویژه می یابد. دیگر او اسیر آرمانهای متافیزیکی نمی شود و قطعیت بخشیدن و جانب داری از هستی خود را در بودن خویش می یابد. "یک روز به خصوص" دقیقاً همان روزی است که معنای زندگی را در بودن خود می یابد و پیش از آنچه فاجعه ای در مسیر زندگی رخ دهد رخدادهای را در پی هم به تصویر می کشد تا معنای زندگی حقیقت خود را دریابد. شرط لازم برای بازتعریف مناسبات فردی و اخلاقی از پنهان کاری و تلاش یک تنه برای نجات تا لغزش های زبانی و بهشت ساختگی در سکانسهای متعدد فیلم روایت می شوند. سکانسهای که در خدمت احساسات مشترکی است که می تواند موقعیتهای تغذلی را فروکاهیده و بلاغت تصویر را در خدمت اضمحلال جامعه و تباهی آن به کار گیرد. نظام بصری فیلم با نظام معنایی آن در چالشی جدی قرار دارد. دلالتی که می خواهد با صحنه های بی ربط درس زندگی به روزنامه نگار دهد نشان از جامعه ای است که همه چیز آن به یکباره فرو نریخته بلکه طبقه به طبقه بر یکدیگر فرو ریخته اند و حال با تلنباری از ویرانی هایی رو به رو هستیم که آواربرداری ویران نیازمند قلبی جدید است که هر تیش آن بتواند خونی تازه در رگها به جریان بیاورد.



\* "یک روز بخصوص"

کارگردان: همايون اسعدیان

فیلم "یک روز بخصوص" فیلمی ژانری اجتماعی است. داستان فیلم درباره حامد است که باید برای عمل قلب خواهرش دست به یک انتخاب بزند، انتخابی که در آینده مسیرهای متفاوتی را پیش روی او قرار داده است.



نگاهی به مجموعه شعر «کنار تو ایفل ژست می‌گیرد»، سروده محمد حسین ابراهیمی انگار دهای هستی مند



◀ مجید کعب

# خلاقت و احساس

سرشت آدمی در بافت شعرش آرام است و گاه این رفتار درونی و مکانیزم سیال در شعر و اسلوب نوشتاری او، این گزاره را در ذهن پررنگ می‌سازد. گویی که شاعر خود اژه حقیقی در برابر حوادث هستی است. به طوری که جهان او عاری از صدا و حرکت است و برخلاف برخی از شاعران هم نسل خویش این اعتراض فروخورده را با سکوتی جانکاه پاسخ می‌دهد. به خواب که می‌روی / عروسک‌های چشم باز می‌کنند / و برایت عاشقانه می‌خوانند / گاهی برای رسیدن به تو می‌جنگند با هم / و حتی از تن جدا می‌کنند دست و پای یکدیگر را / گاهی خودکشی می‌کنند برایت / و یکجا می‌بلعند تمام قرص‌های شکلاتی را / گاهی هم ناگهان بیدار می‌شوی / که تمامشان در جا جان می‌دهند...

با دیدن چشم‌های تو در شعر بالا عروسک‌ها از ابتدای شعر تا آخر شعر شخصیت ثابتی دارند، ولی در پایان شعر شخصیتی دگرگون می‌یابند. چرا که تحت تأثیر دو عنصر «احساس» و «خلاقت» قرار می‌گیرند. خلاقت به معنی توانایی تجسم، پیش‌بینی و ارائه ایده‌های تازه است. به عبارت دیگر، ایجاد طرح‌های ذهنی تازه و ترکیب تازه‌ای از آنها. این ایده‌ها و طرح‌ها در مجموعه شعر ابراهیمی، زاویه دید مخاطب را باز نگه می‌دارد. همان‌طور که عروسک‌های چشم باز می‌کنند و تسلائی دل او می‌شوند و تا چشم کار می‌کند، مثل سایه‌ای بالای سرش یا کنارش آرمیده‌اند؛ اما در آخر به خاطر عشق و علاقه‌ای که به چشم‌های او دارند، در جا جان می‌دهند.

دنیای سایه‌ای ابراهیمی در پی ساختن معماهای عجیب و غریب در ساخت نیست. قهر و اشتی مخاطب با شعر، فقط زاینده وضعیت شعر نیست. ما فقط در شعر دچار بحران نیستیم. زندگی ما را بحران‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره فرا گرفته است.

می‌دانم الآن زیبایی فیس تو / دارد حواس توریست‌ها را هم پرت می‌کند / همه می‌خواهند عکس تو را بردارند / کنار تو ایفل ژست می‌گردد / ابر فلایش می‌زند / و عکس‌های خیس تو بر موج‌های سمن می‌افتد / صفحه ۵۵ - تمام شاعران جهان / حتی برندگان نوبل / کلمه‌ای هم نیستند در برابر / آنها همه ترجمه‌هایی بودند / از آنچه تو آوردی به ساحل / ای دریا! ای خلیج / من هم شاعرم / اما از تو مروارید نمی‌خواهم / همین سی و دو سنگ سپید / کافی است برای دهانم...

شعرهای ابراهیمی همانند کوهنوردانی که از سنگلاخ‌ها و دره‌ها و پرتگاه‌ها می‌گذرند و کمی مانده تا قله، چشم بر قله می‌گشایند، توانی تازه در خویش می‌یابند و درست شبیه لحظه‌های آغازین حرکت، شور و نشاط و قدرتی شگرف در خود احساس می‌کنند. مرغان بی‌تاب قاف نیز چنین بودند. بعد از آن همه بیابان‌های هول و دریا‌های مهیب و هراس‌خیز، در آخرین لحظه‌ها اشتیاقی شیرین در آوندهایشان می‌دوید و بالی پنهان در جان به مدد بال‌هایشان روییده بود. راه آشنایان را البته خوف خطیر نیست. آنان خوب می‌دانند که نخستین گام را که برداری، مقصد را زیارت کرده‌ای. مهم همین است که «پا» با جاده آشنا شود. باقی سهل است و رسیدن.

یادگارهای بسیاری دارم از تو / ایستگاهی که قرامان بود فقط / قطاری که سوارش نشدیم هرگز / سفر دوری که نرفتیم اصلا / هتلی که جایی نداشتم برای ما / تختی که خواب ما را هم ندید / و سطلی که پر شده از وعده‌های پوچ تو / برایت بلیت‌های بسیاری خریدم / که مثل عاشقانه‌های غیرقابل چاپ / فقط شکم زباله‌دان را سیر کرده‌اند. (ص ۳۲)



ساده و بی‌الایش از هر چیز یا هر شعر است. نه ردی از تکرار یا قشو یا به قول امروزی‌ها اضافه‌گویی می‌بینیم، نه ردپایی از شاعری دیگر. واکاوی کارنامه ابراهیمی و زیست شاعرانه به دریافت صریح آثار اوست. او را می‌توان شاعری شهودی خطاب کرد. شاعری که به دور از هیاهو و جنبه‌های مادی، در تلاش است تا جهان خود را بسراید. شگفتی‌ها و رازهای مگویی که ما حاصل تجربیات شخصی و جدال با روزمرگی‌های امروز است. کارکرد زیباشناختی اشعار او اغلب ماهیت خصوصی دارند و نقش دانای کل در آثار او گاه بسیار پررنگ می‌شود.

هوایما پرید و تهران از او خالی شد / گم‌رک بویی نبرد از رد عطرش / اشعه ایکس هم درخشش چشمش را ندید / ساده و معمولی رد شد از مرز / هیچ کس خبر نداشت / که ماه را دزدیده است پاریس / تا شاعرانش غزل بسرایند! / از آن به بعد / آسمان تهران سیاه‌تر شد و / دفتر شعرم سپیدتر / صفحه ۱۳ - ایفل را برابیم پست کن / هوایی را که نفس می‌کشی / خیابانی را که در آن راه می‌روی / پنجره‌ای را برابیم پست کن / که پاریس را برای تو / و تو را برای پاریس قاب می‌گیرد / برابیم تمام شهر را پست کن / به جز شاعری را / که در چشم‌های تو قهوه می‌نوشد / و به جای غزل‌هایم / عاشقانه‌های فرانسوی می‌خواند... (ص ۳۵)

گویی شاعر، انگشت اشاره‌اش را به سوی خود گرفته است و می‌خواهد از جهانی سخن بگوید که ساخته امیال و عالم اوست. ضرب‌آهنگ و ریتم شاعرانگی ابراهیمی آرام است. او دریایی است که هیچگاه طغیان نمی‌کند و

## شاعری از برزیل

مجموعه شعر «کسی در این خانه نمی‌میرد»، گردآوری منتخبی از اشعار کارلوس دروموند د آندراده، شاعر برزیلی است که به همت الهام عسکری به فارسی برگردانده شده است. این مجموعه شامل ۳۴ قطعه شعر، ۹۵ صفحه با قطع رقعی است که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶ توسط نشر نیماژ به چاپ رسیده است.



آندراده، پیش‌روی مدرنیسم در برزیل است و مجموعه‌های شعرش بیانگر بلوغ کامل شاعر در عرصه ادبیات و همواره در فهرست بهترین آثار ادبی برزیل قرار دارند. تصویرسازی قوی و انتخاب موضوعاتی چون زندگی، خانواده، دوستی، موضوعات اجتماعی و همچنین طرح سؤالاتی در فلسفه وجود، همواره تبحرش را در طرح چشم‌اندازهای نو ادبی به نمایش گذاشته است. اغلب آثارش به دور از قیود دست و پاگیر عروضی و بیشتر شعر آزاد است. سادگی منحصر به فرد او مخاطب را فارغ از هر ایدئولوژی، مرجع و پیشینه‌ای جذب می‌کند.

الهام عسکری، دانش آموخته زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه علامه طباطبائی است که برگردان این اثر به زبان فارسی را از ترجمه انگلیسی اشعار، بر عهده داشته است. در بسیاری از موارد، متن فارسی پس از مقایسه ترجمه‌های متعدد انگلیسی و گاه رجوع به متن پرتهالی و اندکی بازسرای پدید آمده تا جان مطلب آن‌گونه که شایسته است، در اختیار فارسی زبانان قرار گیرد. پیش از کتاب فوق، دو مجموعه شعر با عنوان‌های «مهرنامه ما» (۱۳۹۴)، نشر دریاپیگی) و «شاید» (۱۳۹۵، نشر مایا) از عسکری منتشر شده است. از همین مجموعه:

### برای همیشه

چرا خداوند اجازه می‌دهد  
که مادران بمیرند؟  
مادر بی انتهایست،  
او زمان است، بی ساعت.  
نوری که محو نمی‌شود

وقتی باد می‌وزد  
و باران می‌بارد.  
مخملی پنهان  
پر پوست پر چین و چروک  
آب خالص، هوای تازه  
اندیشه ی پاک.

مرگ می‌رسد  
به هرچه کوتاه و گذراست  
بی آن که ردپایی برجای گذارد.  
مادر، در مهرورزی اش، ابدی است.

چرا خداوند  
باید آن راز عمیق را به خاطر آورد  
و روزی او را ببرد؟  
اگر من پادشاه جهان بودم  
قانونی وضع می‌کردم:  
مادر هرگز نمی‌میرد.

همیشه می‌ماند  
با فرزندش  
و فرزندش، پیر هم که شود  
کوچک خواهد بود  
همچون دانه ای ذرت.

## نیمه دیگرش

### آریا معصومی



### گمشدگی

#### نسترن آبالان

خودم را گم کرده‌ام  
در چرخش عقربه‌ها  
ساعت‌ها در خودم  
قدم می‌زنم  
از کنار خرابه ای متروک می‌گذرم  
تنها یک زن را می‌بینم  
که خودش را  
از ماه دار زده است...

رابطه‌ها سرد شده است  
سال‌ها در کنار هم می‌ایستیم  
شبیه دو مجسمه در میدان  
بدون اینکه پای قلبی در میان باشد  
بارها از کنار هم می‌گذریم  
در جستجوی کسی  
که به سادگی  
از کنارمان گذشت  
و به سمت انقضای می‌رویم  
تنهایی انسان‌ها را نابود می‌کند  
تا بازی زمین  
با موجود جدیدی  
دوباره آغاز شود  
باورش سخت است  
اما کافیت لحظه ای  
به تنهایی ماموتی فکر کنی  
که در جستجوی نیمه دیگرش  
از سبیری به راه افتاد  
و قرن‌ها بعد فسیلش را  
در بیابان‌های عربستان  
کشف کردند

### شقایق

#### بهروز آورزمان

ساحل همان موج همان موج سابق است  
این دل هنوز هم که هنوز است عاشق است  
لیلا دلی دوباره بیه دریای ما بزن  
اینجا همان جزیره مجنون سابق است  
داغ تو بر جبین غزل‌ها نشسته است  
این هم گواه قافیه من شقایق است  
من عشق را برای تو تفسیر می‌کنم  
اما به روی دار که جای حقایق است  
پلکی نمی‌زنی و به من خیره مانده ای  
انگار چشم‌های تو با من موافق است  
تو عاشقی و بی سبب انکار می‌کنی  
چون آیه آیه چشم تو تفسیر ناطق است  
یک لحظه بود حادثه عشق و همچنان  
این شعرهام ترجمه آن دقایق است





آقای قیصر



## آلایشگاه مردانه!

اگر خدایامرز آقابزرگ ما هم اکتیون در قید حیات می بود، ذره ای شک ندارم که می فرمود: آخرالزمان شده است نوه بازیگوشیم!... حق هم داشت چنین بفرماید. کافی بود فقط یکبار، تصادفاً یکی از این کانال‌های ماهواره ای آن طرف آب را مشاهده می فرمود تا درجا غش می فرمود. بنده که جای نوه آن خدایامرز، غش می کنم وقتی که می شنوم: «ایا از اندام خود ناراضی هستی؟... بینی خود را به ما بسپارید و شاه ماهی تحویل بگیرد...»!

### بیت مونتاژی:

«آنچه خواهد دلت، همان بینی»

یا که بینی، و یا جهان بینی!



**خلاصه اخبار:** جراحی بینی به سبک دخترانه، آرایش صورت و مدل موهای زنانه، از گرایش‌های برخی از مردان است که کارشناسان نسبت به آن هشدار داده اند... به نقل از جراید

مرحوم آقابزرگمان را کار نداریم - بنده خدا، او هم به ما کاری ندارد؛ چون دستش از زمین و آسمان کوتاه است - هر آدم معتدل و معقولی، از تصویر این که یک مردی - روم به دیفال!

برود خودش را مثل زن آرایش کند، و در حقیقت به عوض آرایشگاه مردانه، سر از «آلایشگاه مردانه» در بیارد؛ بدنش دچار مور مور می شود. مدل قدیمی «ویبره» ای پیشرفته امروز!... آخر، پدرامرزیده، جان من، عزیز من، مردی گفتند: زنی گفتند، شرمی و حیایی گفتند... و چیزهایی دیگری که در ادامه گفتند. هر چیزی جای خودش را دارد. قر و قاطی بشود، جهان قاطی می کند.

### از محفوظات آقابزرگمان:

جهان چون خط و خال و چشم و ابروست

که هر چیزی به جای خوش نیکوست  
**از نصایح آقابزرگمان:** بپسرم! اما را می فرمود... بزرگان گفتند: «از شیر حمله خوش بود و از غزال رم». خیلی خنده دار است که یک شیر ی پرود خودش را مثل یک اهو درست کند. خیلی باید اوضاع فکری اش شیر تو شیر شده باشد.

(همینجا داخل پراتر این کشف مهم را هم به ثبت برسانیم که سابق بر این، گویا علاوه بر گوشی‌های موبایل و کامپیوتر و تبلت و لپ تاپ و این قبیل دم و دستگاه‌های الکترونیکی پیشرفته امروزی، غزال‌ها هم رم می خوردند!... اگر نمی خوردند که نمی گفتند برای غزال رم خوش است. اما حالا این که رم آنها چند گیگ بوده، خدا عالم است!) در حالی که بسیاری از من و شما و امثال ما، هر وقت که به سلمانی می رویم، با هفتشده تومان، سر و ته قضیه را به هم می آوریم و سرو صورتمان را آراسته و پیراسته می کنیم؛ در همین مملکت، شنیده‌ایم - اشاره می کنند دوستان که دیده ایم - بعضی از مردها را که بابت هر جلسه آرایش، حدود ۳۰۰ هزار تومان به سالن‌های زیبایی پرداخت می کنند. حالا می شما بگو که مرد هست و سبیلش... رفت آقا، رفت!... یک تارش الان در بازار آزاد، به قیمت طلا معامله می شود.

**بسته پیشنهادی:** ما ضمن محکوم نمودن هر گونه آرایش زنانه توسط پاره ای از مردان دارای پول اضافه - که دعا می کنیم الهی به زودی یارانه شان از بیخ قطع شود - چند نکته‌ای می‌خواهیم عرض کنیم:

**۱- کار فرهنگی زبیا:** حالا دخترها هیچ، لاقال حواس پسرها و مردها را به جای توجه به زیبایی بینی، به سمت زیبایی جهان بینی سوق بدهیم. در ضمن، سوق دادن با هل دادن فرق می کند.

**۲- توجه به افکار نو:** به دوستان جوان ذکور حالی شود که همیشه، نو بودن و جذاب بودن، به قیافه نیست، بلکه به داشتن اندیشه‌های نو است. و گرنه به قول شاعر: «آرایش پیران بود افزون ز جوانان/ تعمیر ضرور است بناهای کهن را»!

**۳- گشت بینی:** منظورمان در سطح خیابان‌ها نیست؛ از فردا کسی راه نیفتد به بینی‌های سربالا تذکر لسانی دهد. منظورمان خود خانواده‌ها هستند که می توانند در محیط خانواده خود گشت بزنند، اگر متوجه وجود تفکراتی زنانه در مردان شدند، صمیمانه به آنها گوشزد کنند که زشت است. به جای بینی ات، خودت را به راه راست هدایت کن که راستان رستند.

**۴- تحریم عاطفی:** خانواده‌های دختردار، به پسرهایی که خدای نکرده از آرایش‌های زنانه استفاده می کنند، دختر ندهند. حالا می بدونند خودشان را زیبا کنند. دخترشان را که از سر راه نیاوردند. مردی که به بینی نیست. به خوش بینی است. اگر به بینی بود که سهراب عزیز می گفت: زندگی خالی نیست/ سبب هست، مهربانی هست، بینی هست!

**۵- تجمع دیش‌ها:** این راهکار، طبق معمول از همه آسانتر است. بریزیم جمع کنیم. چی را؟... نه خیر، قلیان‌ها را نه؛ دیش‌ها را!... بارها گفته ایم (به قول آن معتاد که فرمود ترک اعتیاد آسان است، من تا حالا صد دفعه ترک کرده‌ام!) طرح خوب را باید بارها تکرار کرد. خود مردم هم وحشتناک استقبال می کنند. اسنادش موجود است!

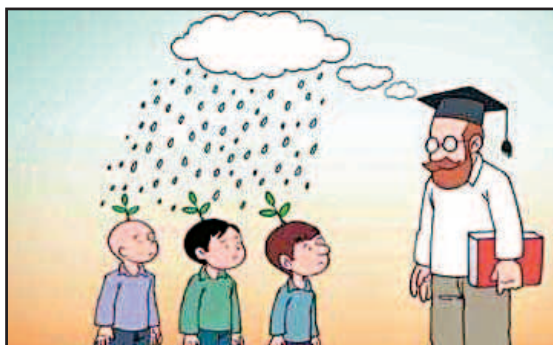
## بخش اول

# چگونه داستان طنز بنویسیم؟

مثلاً در قالب ژانر تخیلی بازگو کنیم (چندان که در بسیاری از داستان‌های جیمز تربر می‌بینیم)؟ ممکن است این تلاش مدت‌ها طول بکشد، تا به این نتیجه برسید که ایده اولیه تان به چه قالبی بیشتر می‌آید و با آن بیشتر هماهنگ است. صادق هدایت ایده هجو کلیه مظاهر قدرت را در قالب روایت تاریخی «توب مرواری» برد که بی شک ایده او جز در آن قالب قابل پرداخت نبود. این قالب را پیش از آغاز نگارش کتاب، حساب شده انتخاب کرده بود و به دوستانش گفته بود که می‌خواهم یک روایت تاریخی بنویسم؛ چون حرف‌هایم را در قالب دیگری نمی‌توانم بیان کنم. کافی است به یاد «قلعه حیوانات» یا ۱۹۸۴ جورج اورول بیفتید تا به اهمیت انتخاب قالب مناسب برای یک ایده و سوژه و تاثیر آن در ماندگاری اثر داستانی طنزی بررید. او رول ۱۹۸۴ را با هدف نقد سیاست‌های استالین نوشت ولی قالب و پرداخت چنان قوی بود که اثر از زمان و مکان خاصی فراتر رفت و جاودانه شد.

### ۵- طنز کلامی

مخاطب در یک اثر طنز، چیزی را می‌بیند که سر جایش نیست و این، او را به خنده می‌اندازد. بخشی از این «سر جایش نبودن» می‌تواند جدا از سوژه، در زبان اثر متجلی شود. بازی با کلیشه‌های زبانی آشنا و بازسازی آنها، استفاده نابجا از ادبیات رسمی یا محاوره ای، غلط نویسی و یا غلط گویی تعمیدی، استفاده از تعابیر طنز آمیز برای توصیف صحنه و شگردهای دیگر در واژگان و کلام، در تشدید فضای طنز در اثر موثر است. شما در نگارش اثر طنز، همان طور که در موضوع و سوژه و ماجرا مخاطب را غافلگیر می‌کنید، در زبان نیز می‌توانید همین غافلگیری را به کار ببرید، تا به تعمیق حس طنز کمک کنید، حتی در طنز می‌توانید به «واژه سازی» هم روی آورید یا مفاهیم نو را بر کلمات سوار کنید که چه بسا در زبان معمول و رایج مردم هم کم کم به کار بروند. کافی است به معروفترین رمان معاصر طنز فارسی (دایی جان ناپلئون) مراجعه کنید تا ببینید زبان روان، شوخ و استفاده دقیق از کلمات و بار کردن مفاهیم جدید بر آنها، تا چه حد در خواندنی کردن کتاب و سپردن آن به حافظه جمعی نقش داشته است، تا آنجا که عباراتی مثل: «کار، کار اینگلیس‌است» در محاورات روزمره مابه صورت ضرب المثل در آمده است! البته طنز عباتری را آگاهانه و حساب شده



به کار ببرید و گرنه به لودگی پهلو می‌زند و مخاطب را پس می‌زند. یعنی طنز کلامی باید در خدمت ارائه ایده و نظر اصلی اثر باشد و نباید در بکار گیری آن زیاد دست و دلبازی به خرج بدهید.

### ۶- شخصیت پردازی

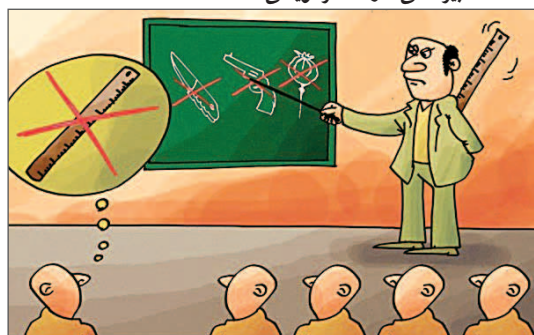
شخصیت‌های آثار طنز، اغراق آمیزند. این اغراق را می‌توانید از طریق کوچک نمایی یا بزرگ نمایی شخصیت‌ها انجام دهید. آدمهای آثار طنز، یا کوچک تر از آنند که در دنیای واقعی به نظر می‌آیند، یا بر عکس، بزرگ تر از اندازه خودشان در عالم واقع هستند. (البته معمولاً سبزی که آثار طنز برای شخصیت‌ها می‌سازند، مناسب ترشان است. تو گویی طنز نویس، نقاب از هیکل ظاهری افراد بر می‌دارد). در هر حال اثر طنز هر چند واقع نما باشد یا سرگذشت آدمهای واقعی را به تصویر بکشد، در سایه همین بزرگ نمایی یا کوچک نمایی، تصویری اغراق شده از آنها را نمایش می‌دهد.

### ادامه دارد



طنز نویسی را نمی‌شود گرفتار قاعده و قانون کرد. چون در سایه شکستن قاعده‌هاست که شکل می‌گیرد و آفریده می‌شود. ولی در هر حال، یک داستان طنز، ویژگی‌هایی دارد که با شناختن آنها، می‌توان دریافت که یک داستان طنز چگونه خلق می‌شود و چطور می‌شود آن را نوشت:

### ۱- بیرحمی، لازمه طنز نویسی



طنز نویسی، بیش و پیش از آن که «تکنیک» را پشتوانه خود داشته باشد، بر خاسته از نوعی «نگاه» است. طنز نویسی، این قدرت را دارد که از موضعی فراتر، با فاصله، نقدانه و بیرحم به سوژه نگاه کند. این نگاه، بیش از آن که حاصل تمرین و ممارست باشد، یک توانایی ذاتی در برخی افراد است. بنابراین طنز نویسی چیزی نیست که بتوان آن را آموخت، بلکه می‌توان آن را پرورش داد. اگر نمی‌توانید فاصله انتقادی با سوژه بگیرید و مدام احساساتی می‌شوید، سراغ طنز نویسی نروید!

### ۲- تکلیفات را با طنز مشخص کنید

طنز نسبی است. بستگی به درک و تلقی افراد دارد. هر چه عمیق تر باشد و در لایه‌های اثر بیشتر پنهان باشد و کمتر به چشم بیاید، نسبت آن بیشتر است. اثری را که ممکن است از نظر شما طنز تلقی شود، ممکن است دیگری بخواند و بگوید: «خب، این طنزش کجاست؟...» این امر، در مورد بخش‌های دیگر ادبیات داستانی صادق نیست. یک اثر در ژانر پلیسی یا معمایی یا وحشت، قوی یا ضعیف، یا متعلق به آن ژانر است یا نیست. ولی در مورد طنز، قضیه فرق می‌کند. ممکن است یک اثر از دید شما طنز باشد و از دید دیگری، نه. بستگی به تعریف و برداشت مخاطب از طنز دارد.

### ۳- ایده اولیه، حس تضاد

یک اثر طنز هم مثل هر اثر داستانی دیگری با یک ایده اولیه همراه است. تصویری هر چند گنگ از یک ناپایداری که در ذهن حک شده است. این ایده، در داستان طنز همیشه با حس تضاد پیوند می‌خورد. هر اثر طنز، یک کشف است: کشف یک تضاد در محیط درون یا پیرامون هنرمند که به زبان می‌آید و قالب داستان به خود می‌گیرد. شما در داستان طنز، باید ابتدا تضادی را حس کنید تا آن را در قالب روایت بازگو کنید و کار را پیش ببرید. این تضاد می‌تواند در ذهن و فکر شما رخ دهد و حاصل یک حس درونی نباشد، و یا ممکن است متأثر از محیط پیرامونی تان باشد. هر اثر طنز، از درک این تضاد آفریده می‌شود. سپس بر اساس آن، پیشبرد داستان، شخصیت سازی، نتیجه گیری و... رخ می‌دهد. البته هر تضادی ممکن است به آفرینش طنز منجر نشود، ولی وقتی با این حس در قالب و با زبانی نو «بازی» کنید، به طنز می‌رسید.

### ۴- انتخاب قالب، مهم ترین گام

یافتن قالب و ظرف مناسب برای ایده اولیه، مهم‌ترین بخش طنز نویسی است. طنز نوشتن بیش از هر بخش دیگر ادبیات داستانی بر تعقل استوار است و آگاهانه آفریده می‌شود. این آگاهی (که در تمامی لحظات خلق اثر حضور دارد)، ابتدا در یافتن قالب است که نمود پیدا می‌کند. ابتدا از خود پرسید که ایده اولیه ام مناسب برای چه قالب، ظرف یا ژانری است؟ کدام بهتر جواب می‌دهد؟ آیا ایده فلسفی ام را در ژانر معمایی بریزم بهتر جواب می‌دهد؟ چندان که بهرام صادقی در «با کمال تأسف» و «سواس» و برخی دیگر از داستان‌های کوتاه خود آزموده است (یا بهتر است آن را



## عباس گودرزی



\* فارغ التحصیل کارشناسی نقاشی و هنرهای تجسمی از

دانشکده هنر دانشگاه باهنر کرمان

\* آغاز فعالیت کاریکاتور از سال ۱۳۷۸ با خانه کاریکاتور کرمان

\* برگزاری نمایشگاه‌های متعدد انفرادی و گروهی در کرمان و تهران

\* کسب مقام در بیش از ۱۰ مسابقه و جشنواره داخلی

\* همکاری با برخی روزنامه‌ها و نشریات استانی و سراسری



